

آرایش رسانه‌های شبکه‌های اجتماعی در مسئله قتل رومینا اشرفی^۱

حفیظه مهدیان^۲

چکیده

صفحات و کانال‌های شبکه‌های اجتماعی همچون دیگر رسانه‌ها توانمندی بالایی در برساخت معنا دارند. با وقوع مسائل مهم در جامعه، هریک از جریان‌های رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی سعی در برساخت معنای موردنظر دارد و در نهایت، معنایی که بتواند بیشترین توجه را به خود جلب کند، به عنوان روایت غالب، پیروز میدان خواهد بود. «قتل رومینا اشرفی» یکی از مسائل مهم جنسیتی در بهار ۹۹ بود که سعی شد روایت خاصی از آن برساخت شود. در این مقاله با تبیین الگوی آرایش رسانه‌ای و نیز استفاده از روش تحلیل مضمون، روایت غالب در مسئله قتل رومینا خوانش می‌شود.

بنابر این واکاوی، دکترین جریان غالب، «سیاسی کردن فضای جنسیتی در نظام ایران» است و بر اساس این دکترین، راهبردهای هشت‌گانه تخریب نظام جمهوری اسلامی ایران و نفرت‌پراکنی، تبعیض جنسیتی و بی‌عدالتی در قوانین ایران، تخریب اسلام و فقه شیعی، تطهیر پهلوی، فرهنگ پدرسالار و زن‌ستیز ایران، ترویج تفکر فمینیستی منطبق بر مسئله، فضاسازی خبری و فضاسازی هیجانی در سه لایه شناختی، اقناعی و روانی در مسئله قتل رومینا به کار برده شده است.

واژه‌های کلیدی: آرایش رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی، عملیات شناختی، عملیات اقناعی، عملیات

روانی، رومینا اشرفی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۲۷

این مقاله بخشی از پروژه «مفهوم‌شناسی عملیات شناختی در فضای مجازی» در موسسه شناخت است.

shenakhtt@chmail.ir

۲. دکتری فرهنگ و ارتباطات و مدیر گروه علوم ارتباطات موسسه شناخت: hafizemahdian@yahoo.com

۱. مقدمه

جهان اکنون، جهانی متغیر، فاقد گزینه‌های روشن، یقین و سکینه است. در این میان، رسانه سعی دارد از طریق بازنمایی، جهان پیرامون را بازتعریف، و روایت خاصی از حقیقت برساخت کند و مخاطب را به حقیقی بودن این روایت برساختی مطمئن کند.

باومن معتقد است در این فضای در حال تغییر، اجتماعات تخیلی شکل می‌گیرد که رسانه‌ها (به‌خصوص رسانه‌های جدید تعاملی)، نمونه بارز آن محسوب می‌شوند. در این بستر که صحنه عرضه گسترده و انتخاب آزاد است، مهم‌ترین مسئله «توجه عموم» است؛ زیرا اقتدار اجتماع تخیلی، تابع همین توجه عمومی است (باومن، ۱۳۸۴: ۲۷). بر همین مناسبت که بودریار معتقد است حادثه ۱۱ سپتامبر، «تروریسم نمایش»^۱ بود، نه نمایش تروریسم (بودریار، ۲۰۰۲: ۳۰ به نقل از: لافی، ۲۰۰۷: ۱۵۴). به بیان دیگر، در این اجتماعات تخیلی، ذات حقیقت اهمیت چندانی ندارد، بلکه حقیقت، هر روایتی است که در ذهن مخاطب، واقعی‌تر جلوه کند. نقش روایت‌های رسانه‌ای در فضای مجازی، به‌گونه‌ای است که فهم یک مسئله در این فضا، مستلزم فهم روایت‌های موجود درباره آن است؛ زیرا این «روایت‌ها هستند که شیوه‌های درک جهان و جایگاه ما در آن را مشخص می‌کنند» (بل، ۱۳۸۹، ص ۳). این امر به‌قدری در جریان‌سازی‌های رسانه‌های تعاملی و شبکه‌های اجتماعی اهمیت دارد که امروزه برخی از اصطلاح «جنگ روایت‌ها» استفاده می‌کنند.

لالر در تعریف روایت می‌گوید: «روایت شامل کنش‌ها و شخصیت‌هایی است که باید در یک طرح کلی، گرد هم آیند» (لالر، ۱۳۹۴، ص ۳۲). صفحات شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی با استفاده از تمام امکانات هنرهای سابق (متن، تصویر، فیلم، صدا و...) و از سوی دیگر به‌دلیل دسترسی آسان به مخاطب، می‌توانند روایت خاص خود از واقعیت را به‌سهولت برساخت کرده، در دسترس مخاطب قرار دهند. در این کثرت سیال‌گونه، صفحه یا صفحاتی تأثیرگذارترند که بتوانند مدیریت فضا را در دست گرفته، روایت خود را بر کرسی «روایت غالب» بنشانند.

فضای مجازی، دریای مواجی است که در هر مقطع زمانی، پدیده‌ای را سوار بر موج، بالا می‌برد و آن را تبدیل به مسئله اول می‌کند. در این میان جریان‌های فکری فرهنگی که در شکل‌گیری این امواج نیز سهیم هستند، سعی می‌کنند روایت خاصی از مسئله را برساخت، و آن را در اذهان تبدیل به روایت غالب کنند. در ایران مسائل مربوط به زنان از حساسیت خاصی برخوردار است و هرساله، تعدادی از مسائل جنسیتی زنانه در فضای مجازی کشور برجسته می‌شود. یکی از این مسائل، قتل دردناک رومینا اشرفی، دختر سیزده‌ساله تالشی بود که در بهار ۹۹ شوکی عمیق به جامعه وارد کرد و جریان‌های

1. The terrorism of spectacle.

مختلف را برای آغاز یک عملیات رسانه‌ای همه‌جانبه تحریک نمود.

سؤال اینجاست که یک روایت، چگونه به روایت غالب در صفحات شبکه‌های اجتماعی تبدیل می‌شود؟ نظریه آرایش رسانه‌ای در فضای مجازی، الگویی ارائه می‌دهد که مطابق آن می‌توان دریافت چگونه یک «روایت غالب» از مسئله، در فضای مجازی شکل می‌گیرد. آرایش رسانه‌ای، مفهومی در جنگ رسانه‌ای است که سه بعد عملیات شناختی، اقتاعی و راهبردی دارد. هریک از این سه بعد عملیاتی، بر ساحتی از فرهنگ و نیز ساحتی از هویت انسانی، تأثیر مستقیم دارند و با هم‌پوشانی یکدیگر در چارچوب الگوی عملیاتی آرایش رسانه‌ای، عمل می‌کنند. سؤال اصلی مقاله این است که آرایش رسانه‌ای شبکه‌های اجتماعی در مسئله قتل رومینا چگونه بوده است؟

۲. چارچوب نظری: آرایش رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی

آرایش رسانه‌ای، مفهومی پیچیده در جنگ رسانه‌ای است که منابع قدرت را برای تحمیل اراده بر جامعه هدف، توانمند می‌کند و دربردارنده مفاهیم عملیات شناختی، عملیات اقتاعی و عملیات روانی است. معنای «عملیات شناختی» با تبیین مفاهیم «ذهن»، «شناخت» و «جنگ شناختی» روشن می‌شود. این عملیات که در واقع باورسازی افکار با افکار دیگر است، با تأثیرگذاری بر لایه‌های بنیادین هویت انسانی، باورهای مطلوب را در مخاطب، «درونی» می‌کند. «عملیات اقتاعی» با ارائه دلیل در پیام به موازات تأثیرگذاری بر ادراک و احساس، فرد را به پذیرش مفهوم متقاعد می‌کند. «عملیات روانی» با تأثیرگذاری بر لایه رویین هویت، هیجانات فرد را در کوتاه‌مدت دستکاری می‌کند.

این سه عملیات را می‌توان در سه حوزه «قلمرو»، «هدف» و «زمانندی»، از هم تفکیک نظری کرد؛ هرچند در عمل، با هم‌پوشانی و تکمیل فرایندهای یکدیگر، عملیات می‌کنند. بنوا معتقد است که اقتناع به‌طور مستقیم معلول پیام‌ها نیست، بلکه اقتناع زمانی حاصل می‌شود که دیدگاه فرد با پیام، یکی باشد. بنابراین دیدگاه‌های فرد است که به‌طور «مستقیم» موجب اقتناع او می‌شوند. در نتیجه، پیام‌های اقتناعی به‌طور «غیر مستقیم» و با ترغیب مخاطب به داشتن دیدگاه‌های مطلوب، موجب اقتناع می‌شوند (بنوا، ۱۳۹۰، ص ۵۵). «قلمرو» عملیات اقتاعی، «عقاید، ارزش‌ها و احساسات» هستند. «هدف» در عملیات اقتاعی این است که با تغییر در یکی از دوگانه شناخت-عاطفه، «تحلیل» مخاطب عوض شود؛ زیرا وقتی یکی از پایه‌های نگرشی فرد درباره موضوعی تغییر کند، برای تغییر نگرش متقاعد می‌شود؛ اما اگر دیدگاه فرد با پیام یکی نباشد، اقتناع صورت نمی‌گیرد. شاید بتوان این تعبیر را به کار برد: اگر جهان‌بینی‌ها و دیدگاه‌های عمیق فرد با پیام همسو نباشد، عملیات اقتاعی نمی‌تواند شناخت و احساس فرد را تغییر دهد و او را برای تغییر نگرش متقاعد کند. مرز بین عملیات شناختی و اقتاعی اینجاست؛ یعنی مهم‌ترین قلمرو در عملیات شناختی، جهان‌بینی‌ها و باورهای عمیق فرد است که



مبنای «منطق تحلیل» فرد به شمار می‌رود. هدف در عملیات شناختی این است که با نفوذ به حوزه باورهای عمیق فرد، «منطق تحلیل» او تحول یابد. وقتی «منطق تحلیل» عوض شود، عملیات اقناعی به‌راحتی می‌تواند تحلیل فرد را درباره پدیده‌ها تغییر، و نگرش او را تحت تأثیر قرار دهد. البته باید گفت که عملیات شناختی، غیر از قلمرو اصلی خود، به حوزه‌های عقاید و ارزش‌ها نیز دسترسی مستقیم دارد و غیرمستقیم می‌تواند احساس، هیجان و کنش فرد را متأثر کند.

نکته دیگر این است که چون هدف عملیات شناختی، تغییر «منطق تحلیل» به‌واسطه نفوذ در باورهای عمیق فرد است، می‌توان گفت در بنیادی‌ترین لایه فرد و فرهنگ عملیات می‌کند. تغییرات در این لایه، به‌کندی صورت می‌گیرد و عملیاتی بلندمدت است و عملیات اقناعی چون در لایه بعدی به عملیات می‌پردازد، از حیث زمانمندی، عملیاتی میان‌مدت محسوب می‌شود.

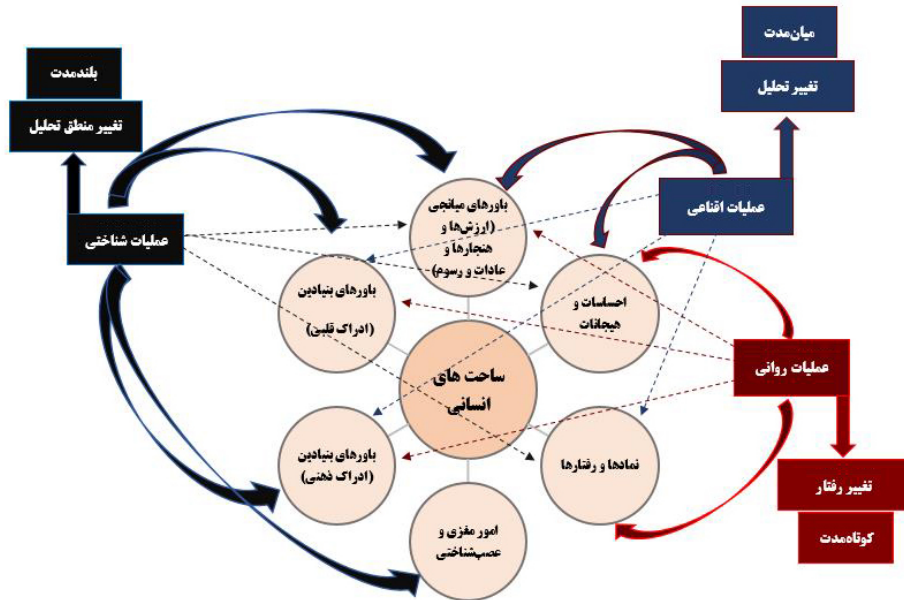
قلمرو عملیات روانی، احساسات و هیجانات است، با هدف «تغییر رفتار». عملیات روانی سعی دارد با تحریک هیجانات، نتیجه‌ای آنی متناسب با موقعیت خاص کسب کند. به همین دلیل، عملیاتی کوتاه‌مدت است. هرچند عملیات روانی می‌تواند با تکرار تزریق احساسات و هیجانات، به‌طور غیرمستقیم و در بلندمدت، لایه‌های باور و ارزش مخاطب را متأثر کند. در جدول ذیل، سه عملیات از حیث هدف، زمان‌بندی و قلمرو، مرزبندی شده‌اند:

جدول ۱: تفکیک عملیات شناختی، اقناعی و روانی در سه بُعد

عملیات	هدف	زمان‌بندی	قلمرو مستقیم	قلمرو غیرمستقیم
شناختی	تغییر منطق تحلیل	بلندمدت	باور، عقیده، ارزش	احساس و هیجان، رفتار
اقناعی	تغییر تحلیل	میان‌مدت	ارزش، احساس و هیجان	عقیده، باور، رفتار
روانی	تغییر رفتار	کوتاه‌مدت	احساس و هیجان، رفتار	باور، عقیده، ارزش

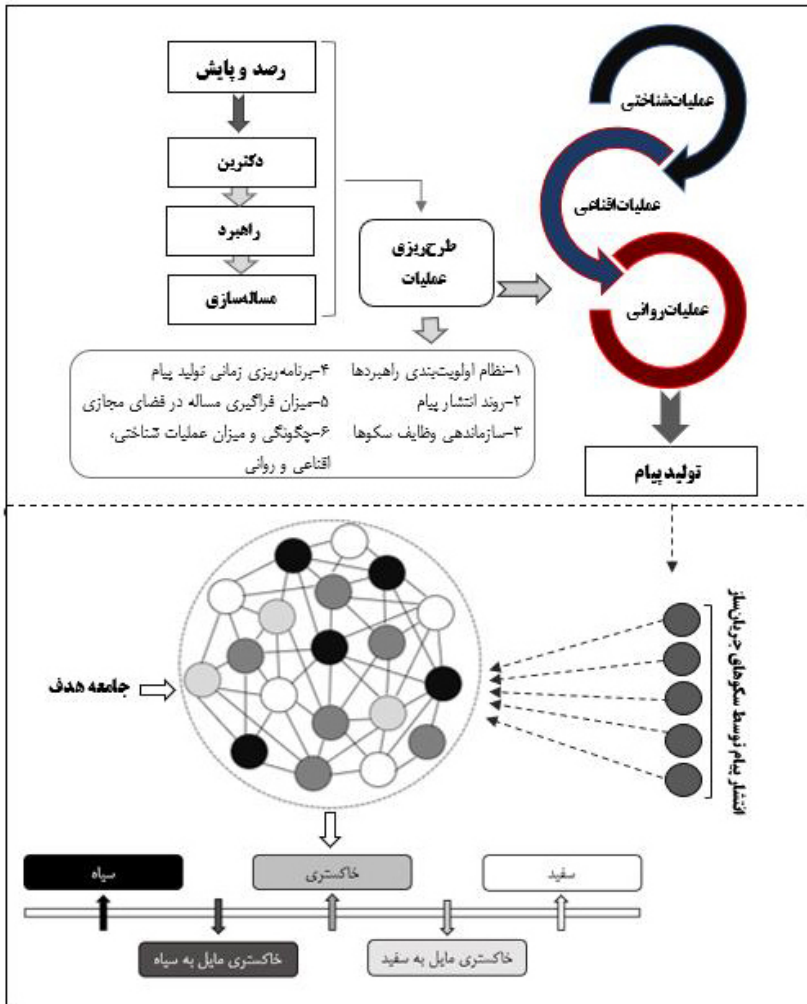


در شکل ذیل، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم هر یک از سه عملیات بر ساحت‌های انسان را می‌بینیم:



شکل ۱: عملکرد مرتبط به هم سه عملیات شناختی، اقتناعی و روانی

پس از مفهوم‌شناسی نظری، باید دانست که آرایش رسانه‌ای در بُعد عملی با استفاده از یک الگو، در فضای مجازی جامعه هدف، عملیات می‌کند. این الگو به ما کمک می‌کند تا چگونگی آرایش رسانه‌ای حول مسئله قتل رومینا اشرفی را فهم و تحلیل کنیم. در واقع این الگو، عینکی است که هم می‌توان به واسطه آن، نوع برساخت روایت غالب درباره مسئله خاص را خوانش کرد و هم می‌توان با استفاده از آن، با این روایت غالب، مواجهه مناسب داشت.



شکل ۲: الگوی آرایش رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی

با مقدمات ذکرشده، می‌توان گفت الگوی آرایش رسانه‌ای دربرگیرنده هفت محور ذیل است:

۱. **رصد و پایش محیط:** اولین مرحله در آرایش رسانه‌ای، رصد و پایش محیط است. ابتدا لازم است در هر مسئله فرهنگی و اجتماعی، وضعیت‌شناسی مناسب صورت گیرد و ابعاد، ویژگی‌ها، نتایج و پیامدهای مسئله مورد نظر در جامعه هدف، ارزیابی شود؛ سپس بر اساس میدان عمل و استخراج خلل و فرج پدیده، به اقدامات متناسب روی آورد.

۲. **اتخاذ «دکترین» مورد نظر و «راهبردهای» مبتنی بر دکترین، و طرح‌ریزی «عملیات رسانه‌ای» متناسب بر اساس «مسئله» انتخابی:** در مرحله بعد، با توجه به میدان عمل و کشف راهبردهای رقیب در مسئله



مورد نظر، راهبردهای مواجهه مبتنی بر دکترین انتخابی، تدوین می‌شود. طبیعتاً این دکترین و راهبردها صرفاً تدافعی، و در تقابل با راهبردهای نیروهای رقیب نخواهد بود.

۳. تصمیم‌گیری درباره میزان و چگونگی تمرکز بر راهبردهای فوق، مبتنی بر مسئله جنسیتی (نظام اولویت‌بندی راهبردها و مضامین): این بخش، اولین مرحله در طرح‌ریزی عملیات رسانه‌ای است. در این قسمت، با توجه به شرایط جامعه، راهبردهای انتخابی، اولویت‌بندی، و روی برخی بیشتر تمرکز می‌شود؛ زیرا در یک آرایش رسانه‌ای قوی، راهبردها تمامیت‌یافته و ایستا نیستند، بلکه آنها بر اساس وضعیت پدیده در شبکه‌های اجتماعی، به صورت پویا تغییر شکل داده، در نظام اولویت‌بندی راهبردی، جابه‌جا می‌شوند.

۴. برنامه‌ریزی زمانی تولید پیام (روند انتشار): این محور، به موازات محور قبل برنامه‌ریزی می‌شود. گاهی شرایط جامعه برای پذیرش یک مسئله فراهم است و لذا می‌توان روند انتشار پیام را طولانی کرد و گاهی به علل مختلف، نیاز است که با فروکاهش یک مسئله، مسئله دیگری در شبکه‌های اجتماعی اوج بگیرد. یکی از مراحل که در الگوی آرایش رسانه‌ای، مد نظر است، این است که یک مسئله در چه شرایطی در جامعه اوج و فرود داشته باشد.

۵. چگونگی تقسیم وظایف بین سکوها: در مورد یک مسئله، کنشگران مختلف در شبکه‌های اجتماعی، تولید پیام می‌کنند. در یک آرایش رسانه‌ای مناسب، وظیفه هر سکو مشخص است. این وظیفه با توجه به نوع عملیات شناختی، اقناعی و روانی، مشخص می‌شود. برخی سکوها خبری هستند و وظیفه زنده نگاه داشتن مسئله در فضای مجازی را به عهده دارند. برخی سکوها، سکوها مادر محسوب شده، سرخط‌های اصلی را مشخص می‌کنند و دیگر کنشگران بر مبنای جهت‌گیری این سکوها به کنشگری می‌پردازند. برخی سکوها نیز سکوها فضا‌ساز هیجانی هستند و با انواع تکنیک‌های عملیات روانی، به تحریک هیجانات مخاطب می‌پردازند. در یک آرایش رسانه‌ای سنجیده، با توجه به نوع و میزان عملیات شناختی، اقناعی و روانی، وظایف سکوها مشخص می‌شود.

۶. تعیین چگونگی و میزان عملیات شناختی، اقناعی و روانی متناسب با راهبردهای اتخاذی: ماحصل و براینده مرحله طرح‌ریزی عملیات، چگونگی و میزان عملیات شناختی، اقناعی و روانی را مشخص می‌سازد. نوع عملیات، بستگی زیادی به راهبردهای انتخابی دارد. اگر راهبرد انتخابی، ناظر بر عمیق‌ترین عقاید و باورهای جامعه باشد، عملیات مربوط، عملیات شناختی خواهد بود و اگر قرار باشد صرفاً هیجانات جامعه تحریک شود، از عملیات روانی استفاده می‌شود.

۷. تولید پیام متناسب با انواع مخاطب (سفید، خاکستری مایل به سفید، خاکستری، خاکستری مایل به سیاه، سیاه): یکی از محورهای مهم در الگوی آرایش رسانه‌ای، توجه به مخاطب و تولید پیام متناسب با



اقتضانات اوست. تولید پیام در شبکه‌های اجتماعی، ناظر بر انواع مخاطب (سفید، خاکستری مایل به سفید، خاکستری، خاکستری مایل به سیاه، سیاه) صورت می‌گیرد. البته این طیف‌بندی مخاطب، مطلق نیست و مخاطبین در قبال موضوعات گوناگون، در طیف‌های مختلف قرار می‌گیرند.

۳. روش تحلیل مضمون

روش تحلیل در این پژوهش، تحلیل مضمون است که برای توصیف و تفسیر داده‌های کمی مأخوذ از کلان داده، مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحلیل مضمون، «روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند» (عابدی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳، به نقل از: Braun, Clarke, 2006). تحلیل مضمون علاوه بر توصیف روابط علی و معلولی، به فهم چرایی چنین روابطی و کشف رویه‌ها و روابط نامحسوس علی و معلولی و تبیین آنها کمک می‌کند. روش تحلیل مضمون، ما را یاری می‌کند تا با بررسی پیام‌های انتخابی، مضامین اصلی و فرعی مربوط به مسئله که در فضای مجازی منتشر شده است، استخراج شود و توصیفی غنی از این بازنمایی حاصل گردد.

۳-۱. جامعه آماری و نمونه‌گیری

جامعه آماری تحقیق، تمام پیام‌های سه شبکه اجتماعی تلگرام، اینستاگرام و توییتر در مسئله قتل رومینا اشرفی در سال ۱۳۹۹ (چهار ماه ابتدایی سال) است. برای مشخص شدن پیام‌های مرتبط با مفهوم، ابتدا با رصد و مطالعه ابعاد مسئله در شبکه‌های اجتماعی، لیستی از کلیدواژه‌ها و هشتک‌های مربوط، تدوین، و پیام‌های مرتبط با موضوع استخراج شد. در مرحله بعد، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، پیام‌های مربوط با روند ذیل، انتخاب شدند:

۱. ۱۵۰ پیام برتر در مسئله به صورت هدفمند و با شاخص‌های ذیل انتخاب شدند:

- پرپسندترین، پرکامنت‌ترین و پرنفوذترین پیام‌ها در اینستاگرام

- پرمشاهده‌ترین و پرنفوذترین پیام‌ها در تلگرام

- پرپسندترین، پرکامنت‌ترین، ریتوییت‌شده‌ترین و پرنفوذترین پیام‌ها در توییتر

۲. سپس از این ۱۵۰ پیام، نمونه ۶۰ تایی (۲۰ پیام در توییتر، ۲۰ پیام در تلگرام، ۲۰ پیام در اینستاگرام)^۱ انتخاب شد و با استفاده از روش تحلیل مضمون، مضامین اصلی پیام‌ها استخراج شد.

۱. عدد ۲۰ به طور میانگین مطرح شده است؛ زیرا تعداد پیام‌های تحلیلی با توجه به موضوع، تکرار پیام، نوآوری در پیام‌ها و... از بین ۱۶ پیام تا ۲۴ پیام، متغیر است.

انتخاب نمونه ۶۰ تایی با دو شاخص صورت گرفت:

- سعی شد با مطالعه پیام‌ها، مرتبط‌ترین پیام‌ها در موضوع انتخاب شوند.
- شاخص بعدی، «کفایت نظری» است. انتخاب نمونه ۲۰ تایی به این دلیل است که به‌طور میانگین، بررسی بیست پیام برتر در هر مسئله، محقق را به کفایت نظری درباره راهبردهای اصلی در مسئله مذکور می‌رساند و پیام‌های بعدی، تغییری در نظام مفهومی مستخرج، صورت نداده و به نوعی تکرار همان بیست پیام قبلی هستند.

۳-۲. پایایی و روایی تحقیق

پایایی یا قابلیت اعتماد در روش‌های کیفی توافق میان کدگذاران در طبقه‌بندی محتواست؛ به این معنی که اگر فرایند اندازه‌گیری را دوباره تکرار کنیم، به نتایج مشابهی برسیم. برای بررسی پایایی تحقیق و تعیین آن، لازم است که محقق پس از کدگذاری مقوله‌ها، از کل نمونه، درصدی را (که معمولاً ۱۰% تا ۲۰% است) انتخاب کند و با تعاریف عملیاتی فراهم‌شده، به متخصصین دیگر (معمولاً دو نفر) بدهد تا درصد توافق میان دو کدگذار مشخص شود. بدین منظور مراحل تحلیل داده‌ها و مقوله‌بندی مضامین با استفاده از روش فوکوس‌گروپ و مشارکت جمعی کارشناسان، به مشورت گذاشته شد و نظر کارشناسان در تحلیل نهایی استفاده شد.

از سوی دیگر، برای اعتبارسنجی و روایی پژوهش، لازم است پژوهشگر روند پژوهش را شفاف توضیح دهد و آنچه می‌گوید، با آنچه انجام می‌دهد، انطباق داشته باشد. در این حالت، نظریه و روش باید به‌طور مرتب با هم به کار روند (عابدی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۷). در ادامه، روند انجام پژوهش به‌صورت شفاف بیان می‌شود:

همان‌طور که در شکل ۲ دیده می‌شود، مرحله اول در این طرح، تحلیل و گردآوری داده‌های کیفی است. در این مرحله، با مطالعه شبکه‌های فضای مجازی در مورد مسئله، کلیدواژه‌های اصلی مرتبط با آن استخراج گردید و نظام جامعی از هشتک‌های مرتبط تنظیم، و در اختیار سامانه هوشمند، قرار داده شد. سامانه بر اساس مفاهیم مورد نظر پژوهشگر، لیست کاملی از پیام‌های مرتبط با مفهوم را استخراج کرد. در مرحله بعد، پیام‌های برتر انتخاب، و با استفاده از روش تحلیل مضمون، تحلیل شد. در این تحلیل، مضامین هر پیام استخراج شد و سپس، مضامین^۱ در مقوله‌هایی کلی، مقوله‌بندی شدند. در نهایت، جمع‌بندی به عمل آمد و راهبردهای جریان غالب در موضوع مشخص شد.

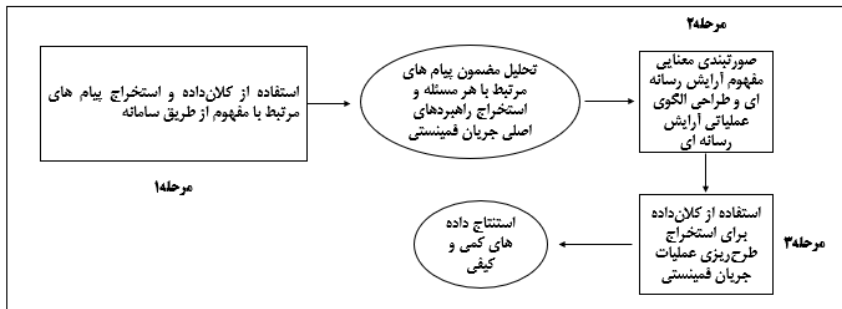
در مرحله بعد، نیاز به الگویی بود تا بتوان بر اساس آن، روایت غالب را خوانش، و چگونگی شکل‌گیری آن را فهم کرد. بدین منظور، سعی شد با صورت‌بندی مفهومی آرایش رسانه‌ای، الگویی

۱. مضامین در پیوست مقاله خواهد آمد.



نظری تدوین گردد. طرح‌ریزی عملیات جریان غالب مبتنی بر محورهای ذکرشده، با استفاده از این الگو خوانش و استخراج شد. در این مرحله با استفاده از داده‌های کمی که کلان‌داده در اختیارمان قرار داد، در چارچوب «الگوی آرایش رسانه‌ای»، مراحل زیر در فضای مجازی مطالعه و مشخص شد: آگاهی وضعیتی درباره موضوع در فضای مجازی، نظام اولویت‌بندی راهبردی جریان غالب، میزان عملیات شناختی، اقتاعی و روانی این جریان، سکوهای جریان‌ساز، برنامه‌ریزی زمانی تولید پیام، و روند انتشار مفهوم.

روند تحلیل آمیخته کیفی آرایش رسانه‌ای جریان فمینیستی در شبکه‌های اجتماعی در شکل ذیل مشاهده می‌شود:



شکل ۳: طرح ادغام داده‌های کیفی در تحلیل آرایش رسانه‌ای جریان فمینیستی در شبکه‌های اجتماعی

۴. آرایش رسانه‌ای در مسئله قتل رومینا اشرفی

رومینا اشرفی، دختر سیزده‌ساله تالشی است که پس از فرار از خانه با مردی حدوداً سی‌ساله، به دست پدرش کشته می‌شود. این خبر دردناک، موجی از پیام‌های مربوط به مسئله را در فضای مجازی کشور به راه انداخت. بررسی پیام‌های پرنفوذ در مسئله، ما را به این نتیجه رساند که پیام‌های برتر در این مسئله، بر اساس مدلی راهبردی، روایتی خاص را بر ساخت کرده‌اند و منتشر شده‌اند. در ادامه مبتنی بر الگوی آرایش رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی، بازنمایی مسئله قتل رومینا اشرفی را بررسی می‌کنیم.

۴-۱. راهبردهای اصلی تولید پیام در مسئله قتل رومینا

با مطالعه اولیه ۱۵۰ پیام انتخابی در مسئله مذکور و تحلیل مضمون شصت پیام برتر در این موضوع، مشخص شد که روایت این مسئله، با هشت راهبرد اصلی در شبکه‌های اجتماعی صورت‌بندی شده است. فرایند تحلیل مضمون برای دستیابی به این راهبردها در قالب جداولی در بخش پیوست این پژوهش آمده است. راهبردهای برآمده از پیام‌ها در جدول ذیل مشاهده می‌شود:

جدول ۲: راهبردهای جریان غالب در شبکه‌های اجتماعی

ردیف	راهبرد	ردیف	راهبرد
۱	تخریب نظام جمهوری اسلامی ایران و نفرت‌پراکنی	۲	فرهنگ پدرسالار و زن‌ستیز ایران (فرهنگ سنتی و فرهنگ امروز)
۳	تبعیض جنسیتی و بی‌عدالتی در قوانین ایران	۴	فضاسازی خبری
۵	تخریب اسلام، فقه شیعی، علما و مراجع	۶	فضاسازی هیجانی
۷	تطهیر پهلوی	۸	ترویج تفکرات فمینیستی منطبق بر مسئله

۴-۱-۱. تخریب نظام جمهوری اسلامی ایران

این راهبرد، فراگیرترین راهبرد جریان‌های مخالف در حوزه هویت جنسیتی زنان ایران است. در هر مسئله جنسیتی که در شبکه‌های اجتماعی اوج می‌گیرد، اولین هجمه‌ها به سوی نظام جمهوری اسلامی ایران است و سعی می‌شود با مقصر جلوه دادن نظام، آسیب‌های زنان را متوجه نوع حکومت‌داری نظام جمهوری اسلامی ایران کنند. در مسئله قتل رومینا، مقوله اصلی «تخریب نظام جمهوری اسلامی ایران» در محورهای مختلفی پوشش داده شده است. یکی از مهم‌ترین محورها، جهل محوری ایدئولوژیک نظام است که بر فرهنگ مردم اثر گذاشته، به قتل ناموسی منجر می‌شود. در این نگاه، ایدئولوژی نظام، هم‌نشین تعصب و غیرت است و این تعصب کورکورانه به «دیکتاتوری مذهبی» در نظام ایران منجر شده است که این دیکتاتوری عامل اصلی ناامنی مردم در سطح اجتماعی و ناامنی امثال رومینا در زندگی خانوادگی است. می‌توان در این زمینه به پیام ذیل اشاره کرد:

اطلاعات پیام	پیام
نام کانال masih.alinejad	قاتل ## رومینا جمهوری اسلامی است قاتل ## رومینا اسلام اجباری است قاتل رومینا فقط پدرش نیست. خوب به این عکس نگاه کنید و از این پس اگر کسی به شما گفت چرا انقدر به حجاب اجباری گیر دادید قوی‌تر از همیشه به او بگویید چون می‌خواهم قدرت شما زورگویان برای همیشه از بین برود تا دست از سر ما زنان بردارید. روزنامه صدا و سیما فقط موهای رومینا را نبوشانده بلکه مانتوش را با فتوشاپ بلندتر کرده میج پایش را پوشانده به زور پوشش اسلامی به تنش کرده. رومینا از همین زورگویی و اجبار فرار کرده و در سن کودکی به جای کودکی کردن دنبال سرپناه گشته. قاتل ## رومینا جمهوری اسلامی است نظام آموزشی و اسلام اجباری است دیکتاتوری مذهبی قاتل اوست که کودکی و نوجوانی دختران را با تربیت و قوانین واپسگرا از آنان می‌گیرد و پدرانی تولید می‌کند که لکه ی ننگ را ببوشانند یا با فتوشاپ یا با داس. اگر همه یکصدا علیه دخالت دین در سیاست دخالت اسلام سیاسی در قدرت و حریم شخصی زندگی مان بایستیم هرگز نمی‌تواند ما را زخمی کند. زور حکومت فقط به مرده ی این نسل می‌رسد
پستد 219560	
تاریخ 99/3/7	

جریان غالب، فتوشاپ تصویر رومینا و پوشاندن موهای او را در روزنامه همشهری، به‌مثابه دیکتاتوری مذهبی و نگاه فاشیستی نظام به زن قلمداد کرده و با همسان‌انگاری قاتل رومینا و نظام ایران، سهمی مساوی در قتل رومینا برای هر دو قاتل است. محور دیگر در تخریب نظام ایران، الصاق قتل رومینا به پدیده «قتل حکومتی و سیاسی» است.



جریان غالب سعی زیادی کرد که این مسئله فرهنگی را سیاسی جلوه دهد و قتل رومینا را کامل‌کننده پازل ظلم نظام به مردم معرفی کند. این جریان با اشاره به افرادی که به کشته‌های سیاسی در ایران معروف شده‌اند، سعی دارد قتل دلخراش رومینا توسط پدرش را در ادامه سلسله قتل‌های نظام قرار دهد و با تداعی معانی هر یک از این مفاهیم، بار منفی و نفرت مخاطب از نظام را افزایش دهد:

اطلاعات توییت		توییت
john_lucckk	ناشر توییت	غیرزاینه لب‌تشنه، رومینا غرق خون یا سری که پدرش بریده، ارسال سوخت مفتی به ونزوئلا، دختری آبی که خودش را سوزانده مغز پویا، چشمهای نداء، هواپیمای مسافربری که با چند موشک زنده، اینترنت قطع و بعدش کشتار آبان؛ از کدام درد باید نوشت وقتی مقصر همه دردها حکومت است؟
2287	پسند	
99/3/6	تاریخ	

محور دیگر در تخریب نظام، بی‌مسئولیت جلوه دادن نظام در قبال زنان در معرض آسیب است. جریان غالب سعی دارد القا کند که بی‌توجهی نظام به زنانی که در معرض خشونت خانواده خود قرار دارند، عامل جرأت مردان برای خشونت علیه زنان و وقوع قتل‌های ناموسی است. این جریان، نظام ایران را نظامی معرفی می‌کند که از سویی در قبال قتل ناموسی و قاتل ناموسی، با تساهل رفتار می‌کند و عامل آمار بالای خشونت‌های ناموسی علیه زنان است و از سوی دیگر، برای حفظ آبروی بین‌المللی خود، بر این مسائل داخلی کشور، سرپوش گذاشته، آنها را پنهان می‌کند که البته این پنهان‌کاری، امروزه به مدد فضای مجازی به تدریج علنی و آشکار شده است:

اطلاعات پیام		پیام
mamlekate	نام کانال	طبق اخبار موثق بارها افراد غیر بومی مستقر در این مناطق مثل پزشکان و پرسنل خانه‌های بهداشت این مناطق که به دلیل ارتباط نزدیک با اهالی و شنیده‌ها، از احتمال قتل دخترانی در آینده نزدیک مطلع شدند و به کالتری و پاسگاه محل برای پیشگیری و بازداشت قاتلین آتی اطلاع دادند ولی هیچگونه توجهی به این هشدارها نشده و متأسفانه قتل‌ها اتفاق افتاد. حتی در مواردی به اونها گفته شده: اگر می‌خواهید براتون اینجا درسی درست نشه و جونت در خطر قرار نگیره، کاری به اینا نداشته باش و سرت تو کار خودت باته!! و همچنین طی سالهای گذشته برخی از وکلای دلسوز خوزستان، شخصا از روی وظیفه انسانی و اخلاق حرفه‌ای پیگیر این موارد بودن؛ که در نهایت برای اونها با عناوین ساخنگی پرونده سازی شده! تا دیگه کسی جرات پیگیری و رسانه‌ای کردن این قتل‌ها رو نداشته باته. متأسفانه تعداد این قتل‌های ناموسی که همگی با توجهی غیرت انجام میشه در بین عشره‌های خوزستان به شدت بالاست و شاید کمتر از ۵ تا ۱۰ درصد اونها رسانه‌ای می‌شود. و بقیه به دلیل پنهانکاری مسئولان بومی انتظامی و دادگستری با توجه حفظ آبروی نظام در سطح بین المللی، مخفی و ناگفته می‌ماند
135284	مشاهده	
99/3/28	تاریخ	

۴-۱-۲. تبعیض جنسیتی و بی‌عدالتی در قوانین ایران

راهبرد دیگری که جریان غالب در شبکه‌های اجتماعی کشور دنبال می‌کند، زیر سؤال بردن قوانین جمهوری اسلامی ایران است. این جریان، گاه قوانین یا دستگاه قضایی را به تبعیض جنسیتی علیه زنان متهم می‌کند و گاه به‌طور کلی، دستگاه قضایی را دستگاهی ظالم و ناعادلانه توصیف می‌کند. در این مسئله، جریان غالب، فرزندکشی در ایران را نتیجه قانون مستثنی بودن پدر و جد پدری از قصاص



معرفی، و به طور کلی عامل قتل ناموسی، فرزندکشی و کودک‌آزاری را در قوانین نظام جستجو می‌کند:

اطلاعات توییت		توییت
s_bahraminejad	ناشر توییت	اینکه مشخص شده "پدر #رومینا_اشرفی قبل از سربردن دخترش با وکیل مشورت کرده تا مطمئن شود مجازات سنگینی در انتظارش نیست" را بگوید توی صورت آن عده که موضوع را جنون آبی ناشی از غیرت میدانستند نه قوانین عقب مانده.
13327	پسند	
99/3/11	تاریخ	

در این رویکرد، تساهل نظام در برخورد با قاتلان ناموسی و فرزندکشان، باعث شده که این افراد در ارتکاب جرم، مصونیت پیدا کرده، انگیزه قوی‌تری داشته باشند. راه حل جریان غالب، دست برداشتن از قوانین مبتنی بر اسلام و روی آوردن به قوانین عرفی است:

اطلاعات توییت		توییت
PahlaviReza	ناشر توییت	قتل فجیع و غم‌انگیز #رومینا_اشرفی به دست پدرش، با پشتوانه قوانین واپسگرایانه رژیم حاکم بر ایران انجام گرفته است. قوانینی که از خشونت خانگی و "قتل ناموسی" تا کودک‌آزاری و کودک‌همسری را مجاز می‌شمارد یا تسهیل می‌کند، متعلق به قرن بیست و یکم نیست. راه چاره، بازگشت به قوانین عرفی است.
13446	پسند	
99/3/6	تاریخ	

۴-۱-۳. تخریب اسلام و فقه شیعی

در این راهبرد، ریشه تبعیض جنسیتی در ایران به مبانی اسلامی برمی‌گردد. جریان غالب با تأکید بر مفهوم «قیمومیت پدر» سعی می‌کند، اسلام را دینی جنسیت‌زده معرفی کند که راه را برای فرزندکشی و قتل ناموسی باز گذاشته است. در این نگاه، مبانی «اسلامی» نظام باعث شده است در قوانین به مردان سهل‌گیری شود و آنها برای کشتن زنان و دختران، بدون واهمه از قصاص، اقدام کنند.

اطلاعات پیام		پیام
mamlekate	نام کانال	یکی از سخنران‌ها در تجمعی حکومتی، درباره کشته شدن #رومینا_اشرفی به دست پدرش می‌گوید: «می‌خواهند از طریق این اتفاق اسلام را بزنند و قیمومیت پدر را از او بگیرند.» بر اساس قوانین مجازات اسلامی، پدر در صورت کشتن فرزندش با مجازاتی بین ۳ تا ۱۰ سال حبس روبرو خواهد شد.
122052	مشاهده	
99/3/11	تاریخ	

«غیرت» مفهوم دیگری است که مدت‌هاست جریان غالب علیه آن فعالیت، و با تعبیری چون «زن ناموس هیچ‌کس نیست» با این مفهوم مبارزه می‌کند. در همین راستا در مسئله قتل رومینا نیز که فضا برای تخطئه این مفهوم اسلامی باز شد، با خلط بین «تعصب کورکورانه» و «غیرت مردانه»، قتل رومینا را به غیرت نسبت داده، این مفهوم را به چالش می‌کشد:

اطلاعات پیام		پیام
masih.alinejad	نام کانال	...رومینا ناموس است ناموس پدر ناموس ج اسلامی. هر کدام به شیوای برای دفاع از ناموس او را میکشد.
183643	پسند	
99/3/7	تاریخ	



اطلاعات پیام		پیام
نام کانال	masih.alinejad	تقدیم به همه ی برادرانی که خواهر ناموس شان نیست عشق شان است. امروز از شر آلوده زبان‌هایی که به نام غیرت دینی و غیرت ناموسی رکیک‌ترین فحش‌ها را برایم می‌نویسند به عشق پناه می‌آورم. برادری که به جرم همین عشق الان در زندان است، زندان حکومتی که سرمایه‌اش مردان متعصب و افراطی و ناآگاه است و از مردان آگاد و حامی و همراه می‌ترسد، قوی باشیم و پشت هم را خالی نکنیم. شما دشمنان یک ملت عاشق هستید که اینچنین میان خانواده‌ها به دین و غیرت جدایی انداختید. شما برای اینکه ما را به زور روانه ی بهشت کنید زندگی را بر ما جهنم کردید. پدران را علیه دختران و مادران را علیه فرزندان می‌کنید
پسند	293546	
تاریخ	99/3/29	

۴-۱-۴. فرهنگ پدرسالار و زن‌ستیز ایران

راهبرد دیگر جریان غالب، القای زن‌ستیز بودن فرهنگ ایرانی است. هنجارها و ارزش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی در هر جامعه، برآمده از فرهنگ آن جامعه است. جریان غالب با برجسب زن‌ستیزی به فرهنگ ایرانی، باعث می‌شود که مخاطب در قبال اصالت و صحت فرهنگ خود، دچار شک و گاهی انزجار شود و به ارجاعات فرهنگی در مورد هویت جنسیتی ایرانی، قانع نشود. جریان غالب، یکی از عوامل مهم قتل‌های ناموسی را در فرهنگ پدرسالار ایرانی جستجو می‌کند و مدعی است که ساختارهای متعصبانه، خرافی و جاهلانه جنسیتی در فرهنگ ایرانی، باعث می‌شود مردان خانواده، زنان خارج از چارچوب هویت جنسیتی سنتی را به قتل برسانند. این جریان، مدعی است که قدمت زمانی و همه‌جایی بودن فرهنگ پدرسالار باعث شده که از گذشته‌های دور تا کنون و در نقاط مختلفی از کشور، شاهد پدیده قتل ناموسی باشیم و اینکه امروزه بیشتر از قبل، این اخبار به گوش می‌رسد، به علت فراوانی بیشتر این‌گونه قتل‌ها در عصر امروز نیست، بلکه به دلیل گسترش رسانه‌ها و فضای مجازی است که ابعاد این‌گونه قتل‌ها را فاش می‌کند.

محور دیگر در تخریب فرهنگ ایرانی، مقایسه مردان ایرانی با جوامع دیگر است. هم‌زمان با قتل رومینا، شبکه‌های اجتماعی، پر شد از کلیپی که در آن، پدر فلسطینی، دختر خود را تشویق می‌کند برای رقصیدن در خیابان و با جملاتی مانند «یالا بابا» به او به جرئت می‌دهد تا از مردم خجالت نکشد و با لباسی نیمه‌برهنه در خیابان برقصد! نشر این کلیپ با هشتک‌هایی چون «یالا بابا، یالا رومینا» در ذهن مخاطب، مقایسه‌ای بین مردان ایرانی و غیرایرانی انجام می‌دهد و مردان ایرانی را به تعصب و فرهنگ زن‌ستیز و پدرسالارانه متهم می‌کند.

اطلاعات توییت		توییت
ناشر توییت	amirsafiri1	یالا بابا، یالا #رومینا
پسند	3952	
تاریخ	99/3/8	

۴-۱-۵. تطهیر پهلوی

یکی دیگر از راهبردهای روایت غالب، تطهیر پهلوی و بازنمایی مثبت از موقعیت زنان در آن زمان

است. این راهبرد در مسئله قتل رومینا به صورت بازنمایی مبارزه رژیم طاغوت با قتل ناموسی دنبال می‌شود و با تمسخر و کنایه زدن به نظام جمهوری اسلامی، بخشی از قتل رومینا را متوجه رژیم پهلوی می‌کند. در این راهبرد، سعی می‌شود وضعیت زنان در دوران پهلوی، وضعیتی بهتر از دوران انقلاب جلوه داده شود:

اطلاعات توییت		توییت
mollah	ناشر توییت	خانم پوری بنایی می‌گفت وقتی فیلمبرداری فیلم قیصر تمام شد، این فیلم از سوی مقامات دولتی توقیف شد. می‌گفت خودم رفتم شهبانو فرح را واسطه کردم. شاه هم مخالف نمایش این فیلم بود چون می‌گفت نباید چاقوکشی و قتل‌های ناموسی در جامعه با ارزش شوند. شاه یک قرن جلوتر از این ملت بود.
۲۹۶۷	پسند	
۹۹/۳/۷	تاریخ	

۴-۱-۶. ترویج تفکر فمینیستی

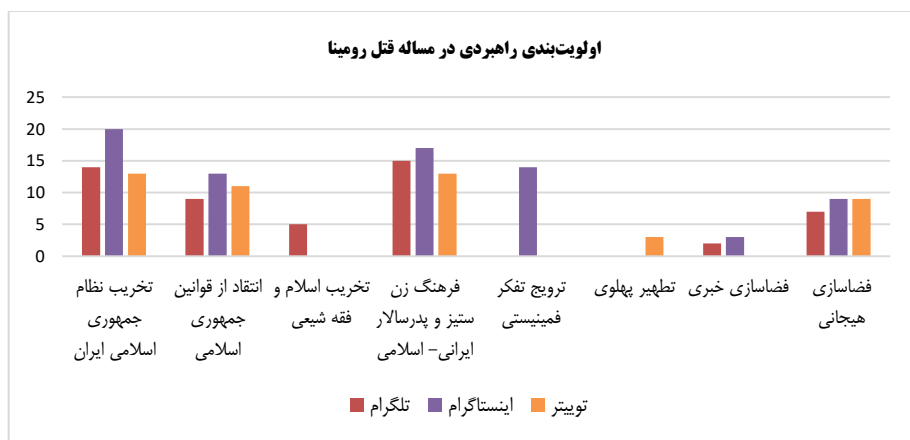
در این راهبرد که هم‌پوشانی بسیاری با راهبرد تخریب اسلام و فقه شیعی و نیز هویت جنسیتی اسلامی دارد، سعی می‌شود مفاهیم فمینیستی در قالب مسئله خاص ترویج شود. در این مسئله با تحریف منظومه معنایی «غیرت و ناموس»، این مفاهیم را به مفاهیم ناپسندی همچون مایملک بودن زنان الصاق کرده و با طرح شعارهایی مانند «زن مایملک کسی نیست»، به مخاطب القا می‌شود که تفکر پدرسالارانه مالکیت بر بدن زن که ریشه در فرهنگ اسلامی- ایرانی دارد، باعث وقوع قتل‌های ناموسی است. در این دیدگاه، ناموس‌پرستی در تقابل با عشق‌ورزی قرار دارد و این تعصبات خانوادگی، مانع عاشق شدن زنان و دوست داشتن جنس مخالف می‌شود. راهکار جریان فمینیستی برای رهایی زنان ایرانی، همزیستی پلورالیستی است؛ اینکه هر زن طبق هویت برساختی و انتخابی خود، بدون وجود قوانین مشترک هویتی، بتواند در جامعه ایران، کنشگری کند:

اطلاعات پیام		پیام
masih.alinejad	نام کاتال	... من در همین خانه بارها یک دل سیر برای مادر و برادرم رقصیدم... من هیچ گاه شبیه مادرم نبودم که نمازش قضا نمی‌شد ولی برای نماز او به احترام می‌ایستادم و او برای رقصم به احترام لبخند می‌زد. ما به هم عاشق بودیم... شما برای اینکه ما را به زور روانه ی بهشت کنید زندگی را بر ما جهنم کردید. پدران را علیه دختران و مادران را علیه فرزندانشان می‌کنید در حالی که ما در خانه مان با تمام اختلاف عقیده با عشق زندگی کردیم و عاشق هم هستیم. شما که شعور و شرم برای تان واژه‌های غربی است و نمی‌فهمید می‌شود متفاوت بود و عاشق و می‌خواهید همه را به زور سلاخی و باتوم و زندان و زور شبیه به خودتان کنید در حالی که من جانم را می‌دهم برای مادری که شبیه به من نمی‌اندیشد ولی هیچ گاه ا غوتش را از من دریغ نکرد. شما بوی مرگ می‌دهید ما بوی عشق. سایه شوم تان را از سر ما دور کنید
293546	پسند	
99/3/29	تاریخ	

۴-۲. نظام اولویت‌بندی راهبردی در مسئله قتل رومینا

راهبردهای فوق، محورهای اصلی روایت برساختی از مسئله قتل رومینا هستند که بر اساس دکترین موردنظر، با اولویت‌بندی خاصی به کار گرفته می‌شوند. نظام اولویت‌بندی راهبردی جریان غالب، در

نمودار ذیل مشاهده می‌شود:



نمودار ۱: اولویت‌بندی راهبردی در مسئله قتل رومینا در شبکه‌های اجتماعی

در مسئله قتل رومینا، بیشترین اولویت راهبردی که هر سه شبکه پایاپای دنبال کرده‌اند، تخریب نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. فرهنگ پدرسالار ایران و انتقاد از قوانین، به ترتیب در رتبه‌های بعد قرار دارند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشترین عملکرد روایت غالب، حول محور راهبرد «تخریب نظام جمهوری اسلامی» و راهبرد «تبعیض جنسیتی و بی‌عدالتی در قوانین ایران» بوده است و راهبردهای دیگر، با اختلاف در مراحل بعدی قرار دارند. راهبرد «تخریب فرهنگ اسلامی-ایرانی» نیز غالباً بر مبنای تخطئه نظام حاکم پیش رفته است. طبق این نظام راهبردی، باید گفت دکتترین اصلی در مسئله قتل رومینا و نیز بسیاری از مسائل جنسیتی، «سیاسی کردن فضای جنسیتی در نظام ایران و ایجاد اعتراض بین زنان» است. جریان غالب سعی دارد با تمرکز بر این محور اساسی، تمام مسائل حوزه هویت جنسیتی زنان را به نوعی با حاکمیت گره بزند و با ایجاد نارضایتی بین نیمی از جامعه، آنها را برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران متقاعد کند. بخشی از این متقاعدگری به واسطه عملیات شناختی در لایه بنیادین هویتی زنان، بخشی دیگر از طریق عملیات اقناعی در لایه میانی هویتی، و بخشی دیگر از طریق عملیات روانی در لایه‌های رویین صورت می‌گیرد.

۳-۴. عملیات در لایه‌های سه‌گانه شناختی، اقناعی و روانی در مسئله قتل رومینا

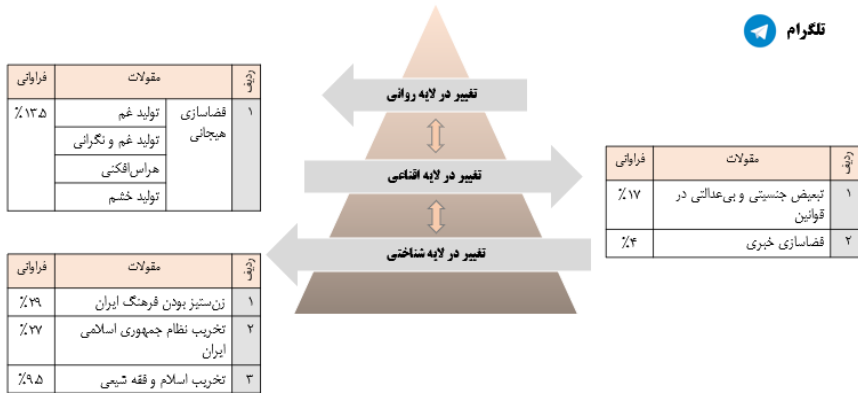
در بخش قبل، بر اساس پیام‌های منتخب، راهبردهای اساسی و دکتترین اصلی در مسئله استخراج شد. در این بخش، نوع عملیات جریان غالب در راهبردهای استخراج‌شده، به تفکیک شبکه‌های اجتماعی، تحلیل می‌شود. همان‌طور که گذشت، هویت انسان، متشکل از لایه‌های بنیادین و رویین



است. طبق این معنا، پیام‌هایی که افکار بنیادین را تحت تأثیر قرار می‌دهند، پیام‌های شناختی محسوب می‌شوند؛ هرچند ممکن است پیام شناختی از عملیات روانی نیز بهره ببرد. این‌گونه پیام‌ها «منطق تحلیل» فرد را تغییر می‌دهند.

پیام‌های اقناعی سعی دارند «تحلیل» فرد را درباره مسئله تغییر دهند و با آوردن دلایل مختلف یا مغلطه‌های فهمی، تحلیل فرد را دگرگون سازند. این پیام‌ها در لایه‌های میانی فکر انسان تأثیرگذارند و غالباً ارزش‌ها و هنجارها را تغییر می‌دهند. عملیات شناختی و اقناعی، با یکدیگر ارتباط تقابلی دارند؛ به این صورت که عملیات شناختی، بستر بسیار مناسبی را فراهم می‌کند تا فرد پیام‌های اقناعی را راحت‌تر بپذیرد و از سوی دیگر، پیام‌های اقناعی به‌مرور، در لایه‌های بنیادین هویتی فرد نفوذ کرده، عقاید و باورهای او را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

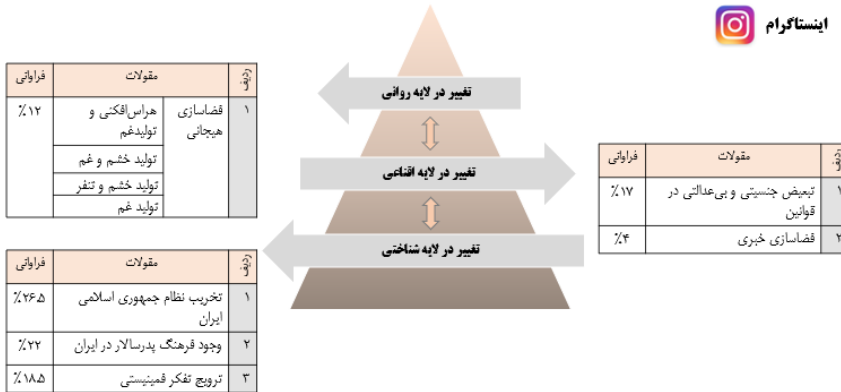
بخش دیگر از پیام‌ها، ناظر به عملیات روانی هستند که هیجانات فرد را تحریک می‌کنند. این‌گونه پیام‌ها اثری زودگذر بر هیجانات دارند، اما به‌مرور می‌توانند «حُلق» فرد را نیز تغییر دهند و بر نگرش وی درباره موضوع خاصی اثرگذار باشند. در تصاویر ذیل، نوع عملیات شناختی، اقناعی و روانی مبتنی بر راهبردهای استخراج‌شده، به تفکیک در هر شبکه اجتماعی ارائه، و در ادامه تحلیل می‌شود:



شکل ۴: عملیات سه‌گانه در مسئله قتل رومینا در تلگرام

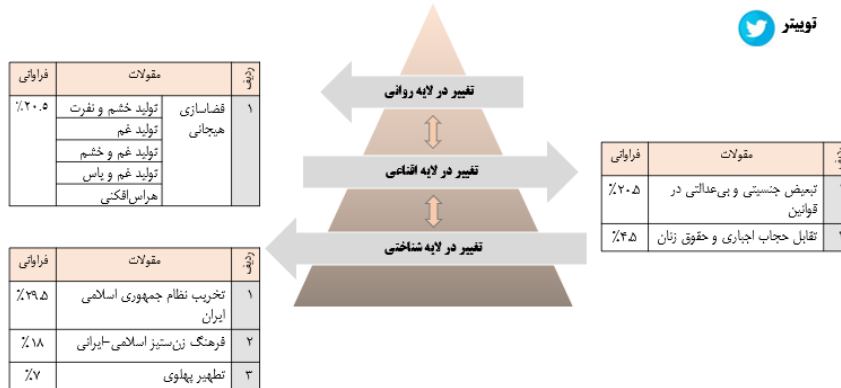
با تحلیل مضامین پیام‌های برتر منتخب در تلگرام، مشاهده می‌شود که نزدیک به ۶۶٪ از مضامین این پیام‌ها متناسب با تأثیرگذاری در لایه شناختی تولید شده‌اند.

در این میان، تخریب نظام جمهوری اسلامی و تخریب فرهنگ اسلامی- ایرانی به موازات هم در پیام‌ها به‌کار رفته‌اند.



شکل ۵: عملیات سه‌گانه در مسئله قتل رومینا در اینستاگرام

در پیام‌های برتر منتخب اینستاگرام نیز سهم قابل توجهی از مضامین، یعنی حدود ۶۷ درصد به مضامینی مربوط است که در لایه شناختی تغییر ایجاد می‌کنند. در این شبکه اجتماعی نیز تخریب نظام جمهوری اسلامی و تخریب فرهنگ ایرانی با اختلاف بسیار کمی به موازات یکدیگر در پیام‌ها مشاهده می‌شود.



شکل ۶: عملیات سه‌گانه در مسئله قتل رومینا در توییتز

۵۵٪ از مضامین پیام‌های منتخب توییتز، مربوط به لایه شناختی هستند. در این میان، مضامین مربوط به تخریب اصل نظام جمهوری اسلامی، با اختلاف قابل توجه، بیشتر از دیگر مضامین به چشم می‌خورند. همچنین مضمون تطهیر پهلوی که هم‌افزایی با مضمون تخریب نظام دارد، در لایه شناختی استفاده شده که نشان‌دهنده صراحت بیشتر در شبکه اجتماعی توییتز در ابراز تقابل با نظام است. تفاوت دیگر این شبکه با تلگرام و اینستاگرام، در فضاسازی هیجانی است. پیام‌های توییتز، ۲۰٪



از مضامین خود را به تحریک هیجانانگیز و احساسات اختصاص داده‌اند، درحالی‌که دو شبکه دیگر، ۱۲٪ و ۱۳٪ به فضاسازی هیجانی پرداخته‌اند. در ادامه، عملیات سه‌گانه در مسئله قتل رومینا در شبکه‌های اجتماعی تحلیل می‌شود.

۴-۳-۱. عملیات شناختی

جریان غالب در لایه بنیادین هویتی مخاطب، به‌طور خاص بر چهار مؤلفه تمرکز دارد:

الف) تخریب نظام جمهوری اسلامی ایران

اعتماد مردم به نظامی که در آن زیست می‌کنند، از مهم‌ترین پایه‌های استحکام هر حکومتی است. مردم ایران در سال ۵۷ با عمیق‌ترین ایمان و باور خود به حقانیت انقلاب اسلامی و باطل بودن نظام طاغوت، به رهبری امام خمینی، جان و مال و آبروی خود را در راه انقلاب بذل کردند. ۹۸ درصد مردم به جمهوری اسلامی «آری» گفتند و در مواجهه با فتنه منافقین و نیز هشت سال دفاع مقدس، با تمام مشکلات، ایستادگی کرده، اعتقاد خود به نظام را تثبیت کردند. ایستادگی مردم در این فرازونشیب‌های گسترده، نشان می‌دهد که باور به نظام جمهوری اسلامی، در بنیادی‌ترین لایه‌های وجودی مردم ایران که با دست خالی در برابر هجمه داخلی و خارجی تاب آورده‌اند، رسوخ کرده است. بدین جهت، عملیات جریان غالب در تخریب اصل نظام جمهوری اسلامی که در واقع، دیگری نظام لیبرال سرمایه‌داری قلمداد می‌شود، عملیاتی است در لایه شناختی که سعی دارد در عمق اعتقادات مردم نفوذ کرده، باور آنها را درباره زیست‌جهانشان تغییر دهد. این پیام‌ها سعی می‌کنند پایداری فرد را به نظامی که در کشور حاکم است، سست کنند تا در وقت ضرورت، به‌سهولت با عملیات اقتناعی و روانی، بتوانند فرد را در تقابل - فکری و حتی فیزیکی - با نظام قرار دهند. مسائل مربوط به زنان، یکی از پرکاربردترین دستاویزهای جریان غالب برای تخطئه نظام اسلامی ایران است. بدیهی است که بی‌اعتماد شدن مردم به نظام حاکم در هر جامعه‌ای، جز خشم، نارضایتی و ناکامی به بار نمی‌آورد و نظام را در سراسیمگی افول قرار می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت جریان غالب با استفاده از مسائل جنسیتی سعی دارد این نارضایتی و خشم را در نیمی از پیکره جامعه که نقش تربیتی و بنیادی در قبال اعضای دیگر جامعه دارند، تولید کند و از این طریق، بنیان نظام جمهوری اسلامی و پشتوانه مردمی آن را سست کند.

در مسئله قتل رومینا نیز تخریب نظام، یکی از محورهای مهم عملیات شناختی جریان غالب است. در این محور، تمرکز بر تساهل نظام در برابر قتل ناموسی است. در این لایه، جریان غالب سعی دارد القا کند که تفکر جمهوری اسلامی، مولد جهل است و همین جهل است که پیامدهایی چون قتل ناموسی را به دنبال دارد. به‌عنوان مثال جهل در برخورد با مسائلی مانند حجاب، به ایدئولوژی اجبار در حجاب می‌انجامد و همین ایدئولوژی است که قتل‌های ناموسی را حاصل می‌کند. این بازنمایی به



حدی است که فتوشاپ تصویر رومینا در روزنامه جام جم را به مثابه قتل او توسط پدرش گرفته و بین این دو حادثه، یکسان‌انگاری و این‌همانی برقرار کرده‌اند. می‌توان گفت مهم‌ترین محور شناختی جریان غالب در تخریب نظام، «الصاق عمل خشن و فجیع پدر رومینا به نظام جمهوری اسلامی و قاتل قلمداد کردن نظام» است.

جریان غالب به موازات تخریب نظام، سعی دارد برای جمهوری اسلامی، یک «دیگری آرمانی» تعریف کند. «تطهیر پهلوی» از جنایاتی که به زنان روا داشته و سبب عقب‌ماندگی آنان شده است و ترسیم وضعیت مطلوب زنان در دوران پهلوی، راهبرد دیگری در جهت تخریب نظام جمهوری اسلامی است. البته فرقی بین مسائل وجود ندارد و این جریان در هر مسئله جنسیتی، رژیم واپس‌گرای پهلوی را به‌عنوان دورانی آرمانی برای زنان بازنمایی می‌کند. این محور در پیام‌های تولیدشده در توئیتر مشاهده شده است. در این شبکه در مواجهه با قتل رومینا، علاوه بر مقصر دانستن نظام در بروز چنین قتل‌هایی، سعی می‌شود تصویری ایدئالی از رژیم پهلوی بازنمایی شود و وضعیت زنان در آن دوران، وضعیتی مطلوب و دلخواه تصویر گردد.

ب) القای پدرسالاری زن‌ستیزانه در فرهنگ ایرانی-اسلامی

اسلام و ایران قرن‌هاست که با هم پیوند خورده‌اند و چنان در هم ممزوج شده‌اند که پیکره فرهنگی واحدی را شکل داده‌اند. تخطئه این فرهنگ که یک پایه در سنت‌های ایرانی و یک پایه در مبانی اسلامی دارد، از اصلی‌ترین راهبردهای شناختی جریان غالب است که لایه‌های بنیادین فرد را متأثر می‌کند. معرفی فرهنگ اسلامی-ایرانی به‌عنوان فرهنگی جنسیت‌زده و زن‌ستیز، باعث می‌شود تمام ابعاد هویتی زن در این فرهنگ، تحت الشعاع قرار گیرد و پابندی قلبی و فکری فرد به فرهنگ و سنت ایرانی، کم‌رنگ شود. با برچسب زن‌ستیزی و نابرابری جنسیتی به اسلام و یا فرهنگ سنتی ایرانی، مؤلفه‌هایی همچون، عفاف، تعهد به همسر، تقدس نقش مادری و هزاران مؤلفه دیگر که در لایه بنیادین هویت جنسیتی زن ایرانی قرار دارد، زیر سؤال می‌رود و تمام تحلیل‌های دینی یا فرهنگی درباره هویت جنسیتی در ذهن مخاطب، مردود می‌شود؛ زیرا جریان غالب با تخطئه فرهنگ اسلامی-ایرانی که مخاطب در لایه‌های بنیادین هویتی خود به آن معتقد است، در واقع «منطق تحلیل» فرد را دگرگون کرده، جایگاه هرگونه تحلیل درون‌دینی و درون‌فرهنگی را از بین می‌برد و با زینت بخشیدن به تفکر فمینیستی، معیارهای ارزشی و هنجاری فرد را تغییر می‌دهد.

در مسئله قتل رومینا، نظام جمهوری اسلامی و فرهنگ ایرانی، پابه‌پای هم و تقریباً به‌طور مساوی، گناهکار قلمداد می‌شوند. تمرکز بر فراوانی چنین قتل‌هایی در جای‌جای کشور از گذشته تا کنون، یکی از محورهای شناختی جریان غالب در مقصر دانستن فرهنگ سنتی ایرانی در مواجهه با خطاهای جنسی زنان و قتل ناموسی است. در مرحله بعد، اسلام و به‌خصوص فقه شیعی قرار دارد. جریان غالب

مدعی است که قتل ناموسی، برآمده از قانون فقهی ولایت پدر بر فرزند و عدم قصاص وی در قتل فرزند است و بنابراین فجایع ناموسی، در نتیجه التزام نظام قانونی به فقه شیعی است. روایت غالب در این مسئله با تحریف علل واقعی بروز این نوع وقایع، انگشت اتهام را صرفاً به سوی فرهنگ ایرانی و شریعت دراز می‌کند و در مورد فراوانی قتل‌های مشابه در کشورهای غربی و غیراسلامی سکوت می‌کند و از این طریق توجه مخاطب را صرفاً به یک موضوع، محدود کرده، باعث می‌شوند نگرش مخاطب به فرهنگ اسلامی - ایرانی دچار تغییر شود؛ در صورتی که هر قانونی، چه قانون‌های تشریعی الهی و چه قانون‌های وضعی انسانی، برای تأمین مصالح و منافع فرد و جامعه وضع شده‌اند و در عین حال همیشه استثناهایی وجود دارد که با سوءاستفاده از قانون، مرتکب جرم می‌شوند. به جای چاره‌اندیشی برای برخورد با موارد استثنا، نمی‌توان اصل قانون را زیر سؤال برد.

ج) ترویج مفاهیم فمینیستی منطبق بر مسئله

جریان غالب به موازات تخریب مناسبات ذهنی زن ایرانی درباره نظام، دین و فرهنگ ایران، نسخه جایگزین خود را مطرح می‌کند. جریان فمینیستی با تلقین مداوم مواردی که در بالا ذکر شد، مخاطب را از هویت جنسیتی که تا کنون داشته، منزجر کرده، به موازات آن، هویت موردنظر را به مخاطب القا می‌کند. محورهای هویتی مانند «حق بدن»، «عدم تقدس مادری»، «انگاره حجاب اجباری»، «سکسیم» و... از جمله تفکرات فمینیستی است که به طور پیوسته در شبکه‌های اجتماعی دیکته می‌شود و همچنان که فرد، باور و ایمان خود را به فرهنگ، دین و نظام جامعه خود از دست می‌دهد، باورهای جدید فمینیستی را جایگزین می‌کند. چنانچه در مسئله قتل رومینا، مفاهیم فمینیستی از جمله تخریب غیرت، لزوم عشق‌ورزی دختران ولو به اشتباه، تخطئه ولایت پدر بر فرزند، و لزوم آزادی‌های خارج از چارچوب جنسی دختران به عنوان راه‌حل‌های برون‌رفت از وقوع چنین قتل‌هایی پیشنهاد شده است؛ در صورتی که با مذاقه در هر یک از این موارد و واکاوی پیامدهای آن در نظام اجتماعی غرب، متوجه جنایات بسیاری علیه زنان می‌شویم که در اثر التزام به همین مفاهیم فمینیستی به وقوع پیوسته‌اند.

۴-۳-۲. عملیات اقناعی

عملیات اقناعی و شناختی، روابطی تعاملی و تقابلی دارند؛ به این صورت که عملیات شناختی با تغییر منطق تحلیل در مخاطب، راه را برای عملیات اقناعی هموار می‌کند و عملیات اقناعی در این بستر هموار می‌تواند مخاطب را درباره تحلیلی خاص از مسائل، متقاعد کند. از سوی دیگر، عملیات اقناعی با استفاده از خبرسازی‌ها و تحلیل‌های موردنظر به تدریج راه را برای تغییر منطق و مبنای تحلیل در مخاطب باز می‌کند. عملیات اقناعی جریان غالب در مسئله قتل رومینا در موارد ذیل دنبال شده است:



الف) انتقاد به قوانین جمهوری اسلامی

مهم‌ترین محور جریان غالب در لایه اقلی، انتقاد به قوانین ایران است. جریان غالب از منظرهای مختلف، قوانین جمهوری اسلامی را به نقد می‌کشد. گاهی اختلاف نظرهای فقهی را مطرح می‌کند و گاه قوانین ایران را با دیگر کشورها مقایسه می‌کند و گاه پیامدهای منفی قوانین را برای زنان ایرانی گوشزد می‌کند و در همه این موارد سعی دارد قوانین ایران را قوانینی جنسیت‌زده، ظالمانه و مبتنی بر اسلام معرفی کند. در این محور، همان‌طور که گفته شد، قوانین مبتنی بر اسلام و فقه شیعی هستند و تساهل قانونی، مهم‌ترین عامل بروز قتل ناموسی تلقی می‌شود. در این نگاه، تغییر قوانین و پیروی از قوانین بین‌المللی و لوایحی چون حمایت از کودکان و زنان، مهم‌ترین راه پیشگیری از قتل‌های ناموسی معرفی می‌شود. به عبارت دیگر در لایه شناختی، اصل فرهنگ اسلامی - ایرانی تخطئه می‌شود که «منطق تحلیل» مخاطب است و در عملیات اقلی، مبتنی بر تخریب فرهنگ در ذهن مخاطب، قوانین مبتنی بر آن نیز تخطئه می‌شود و دیگر نمی‌توان برای دفاع از قوانین به تحلیل‌های درون‌دینی و درون‌فرهنگی متمسک شد. در این زمان، جریان غالب با هم‌صدایی انتقاد از قوانین، «تحلیل» مخاطب از مسئله را دچار تحریف کرده، خلأ قانونی را عامل برجسته وقوع چنین جنایاتی معرفی، و ذهن مخاطب را برای پذیرش قوانین مبتنی بر فمینیسم متقاعد می‌کند.

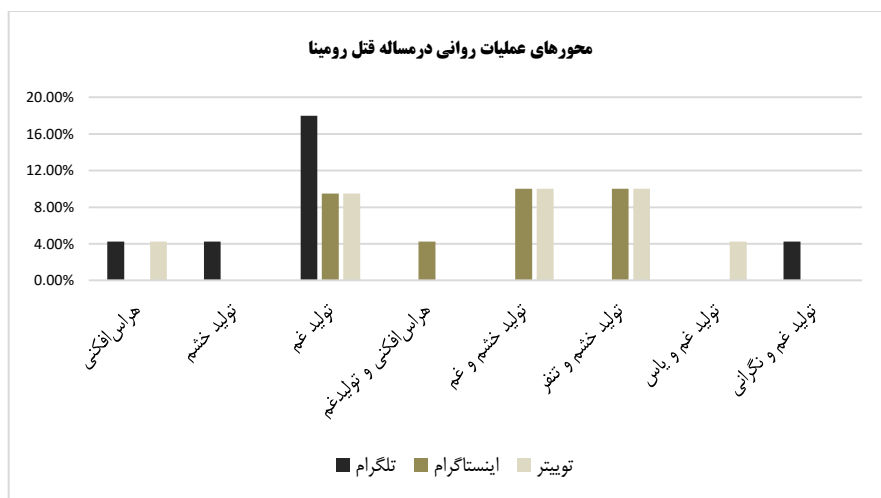
ب) فضاسازی خبری

فضاسازی خبری از دیگر راهبردهای عملیات اقلی جریان غالب است. سکوهای شبکه‌های اجتماعی با پرداختن به مسئله قتل رومینا و حواشی و ابعاد آن، سعی می‌کنند مسئله را در افکار عمومی و صدر اخبار زنده نگاه دارند تا مدت زمان بیشتری بتوانند با استفاده از انواع عملیات شناختی، اقلی و روانی، روایت خود از مسئله را بر ساخت کنند. فضاسازی خبری باعث شد مسئله قتل رومینا در بازه زمانی ۴۳ روزه در شبکه‌های اجتماعی کشور زنده باشد و به ابعاد حقوقی، اجتماعی و فرهنگی آن پرداخته شود.

۴-۳-۳. عملیات روانی

جریان مخالف غالباً در پیام‌های مربوط به مسائل جنسیتی، با دست گذاشتن روی هیجانات خشم، غم، نفرت و ترس، سعی می‌کند زنان ایرانی را به افرادی خموده و منفعل از نظر فکری تبدیل کند تا راحت‌تر بتواند برای پذیرش راه‌حلی که ارائه می‌دهد، متقاعدشان کند. یکی از بیشترین مؤلفه‌های عملیات روانی جریان فمینیستی، «مظلوم‌نمایی» و ایجاد حس ترحم در مخاطب است. مظلوم‌نمایی یکی از مؤثرترین فنون در تحریک مخاطب برای خصومت علیه فرد یا ارگانی خاص است. کارشناسان عملیات روانی با ترسیم مظلومیت یک طرف، خشم و غضب مخاطب به طرف دیگر و احساس همدردی با قربانی را برمی‌انگیزند (جنیدی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۱). تولید نفرت نیز از موارد کاربرد جریان

فمینیستی در عملیات روانی است. در عملیات روانی با استفاده از تکنیک‌هایی چون «اهریمن‌سازی»، نفرت مخاطب را به طرف منازعه برمی‌انگیزند. «این اقدام، هم از مشروعیت آن [طرف منازعه] می‌کاهد و هم اعمال خشن و تند خود علیه او را توجیه می‌کند» (الیاسی، ۱۳۸۵، ص ۱۵). در نمودار ذیل، چگونگی عملیات روانی در مسئله قتل رومینا مشاهده می‌شود:



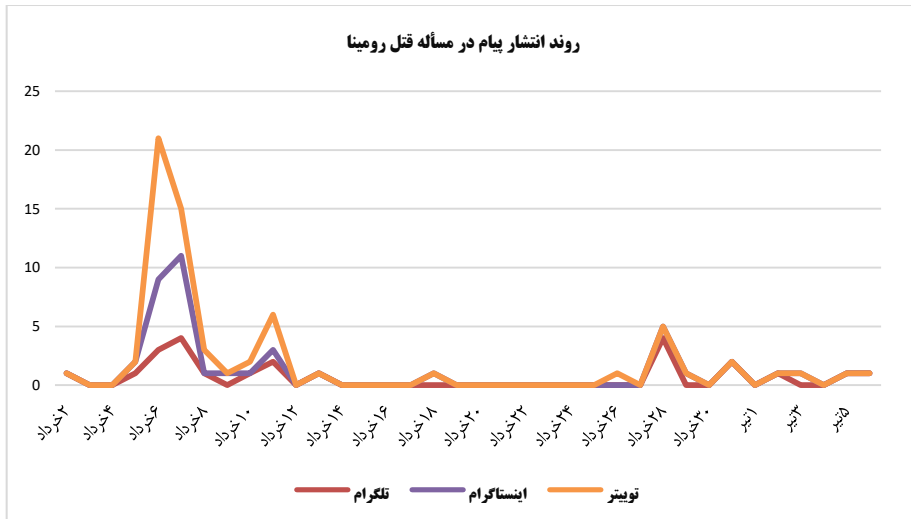
نمودار ۲: محورهای عملیات روانی در مسئله قتل رومینا

همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود، هیجان‌های «خشم از تساهل نظام نسبت به قاتل‌های ناموسی»، «ترس و نگرانی زنان از احتمال بودن وقوع این فجایع برای هر یک از خودشان» و «غم و اندوه برای وقوع این حادثه اندوهناک» تحریک شدند، اما بیشترین تمرکز تلگرام در مسئله قتل رومینا، بر تحریک هیجان غم می‌باشد. «غم نوعی حالت روانی است که در اثر عدم تطابق انتظار فرد یا جامعه با موقعیت و شرایط موجود و کنونی به وجود می‌آید. برای القای غم سعی می‌شود تصویر نامطلوب و نامتوازی نسبت به انتظارات موجود، از موقعیت و شرایط ارائه شده و متقابلاً آرزوها و ایدئال‌های فرد یا جامعه، دور از دسترس نشان داده شود» (خدامرادی، ۱۳۸۶، ص ۴۸-۴۹). تمرکز بیشتر بر ابعاد تراژیک حادثه، باعث شد که احساس غم، بیشترین حس تحریک‌شده توسط پیام‌ها در این مسئله باشد.

در اینستاگرام، هیجان خشم و نفرت زنان از خشونت‌های جنسیتی نظام، قانون و فرهنگ؛ و نیز هیجان غم، به صورت هم‌اندازه تحریک شده است. در توییتر، بیشترین تمرکز بر حس مشترک «غم و خشم» است.

۴-۴. روند انتشار مفهوم

منظور از روند انتشار مفهوم، پرداخت زمانی شبکه‌های اجتماعی به مسئله جنسیتی است. روند انتشار کمک می‌کند که متوجه شویم در مسئله منظور، کدام شبکه در چه تاریخی بیشترین تمرکز را داشته است و در چه تاریخی، پرداخت به مسئله را متوقف کرده است.

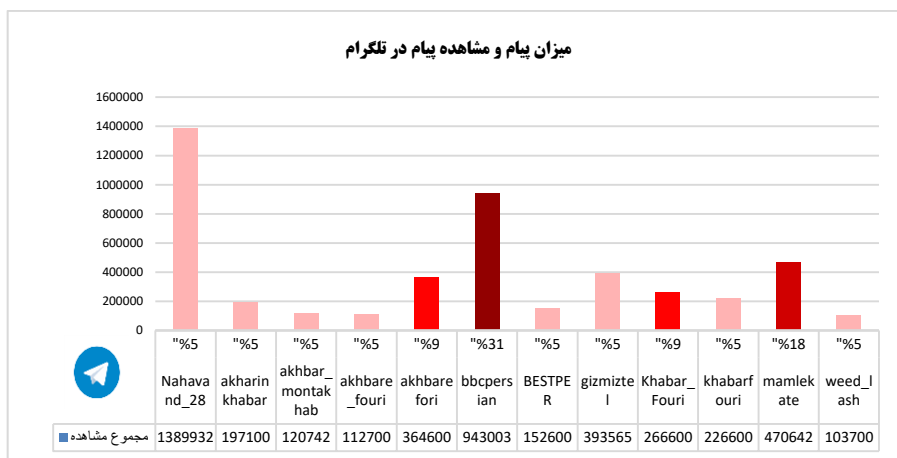


نمودار ۴: روند انتشار پیام در مسئله قتل رومینا

مسئله قتل رومینا بازه زمانی نسبتاً طولانی را در شبکه‌های اجتماعی به خود اختصاص داد. اوج تولید پیام در تاریخ ۶ و ۷ خرداد بود، اما این قضیه دوباره در تاریخ ۱۱، ۱۸ و سپس ۲۸ خرداد اوج گرفت. به عبارتی به طور میانگین پس از یک هفته فرود، دوباره اوج دیگری گرفت و در کل از ۲ خرداد تا ۱۵ تیر را به خود اختصاص داد. نکته دیگر در روند انتشار مفهوم این است که موج این مسئله اولین بار در توییتر بالا رفت و سپس در تلگرام و اینستاگرام.

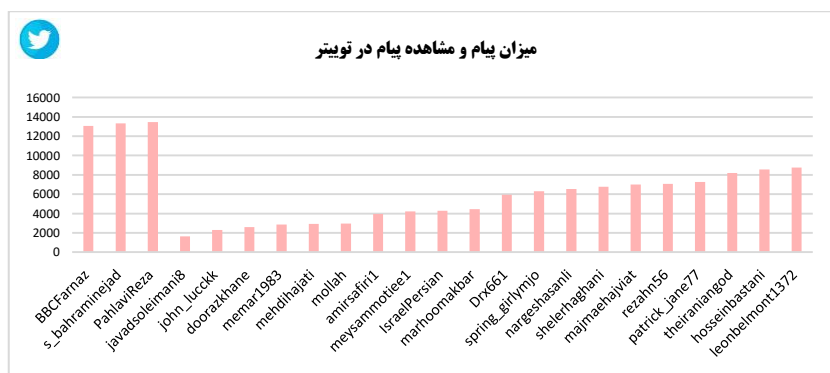
۴-۵. سکوی انتشار پیام

سکوهایی که در نمودارها مشاهده می‌شوند، صفحه‌ها و کانال‌هایی هستند که توانسته‌اند بیشترین نفوذ را در مخاطب داشته باشند و پیام‌های تولیدی شان در صدر پیام‌های مربوط به مسئله قرار دارد. البته رویکرد تمام این صفحات به مسئله، شبیه به هم نیست و کمابیش در این بین، پیام‌هایی که با رویکرد مثبت تولید شده‌اند نیز وجود دارند.



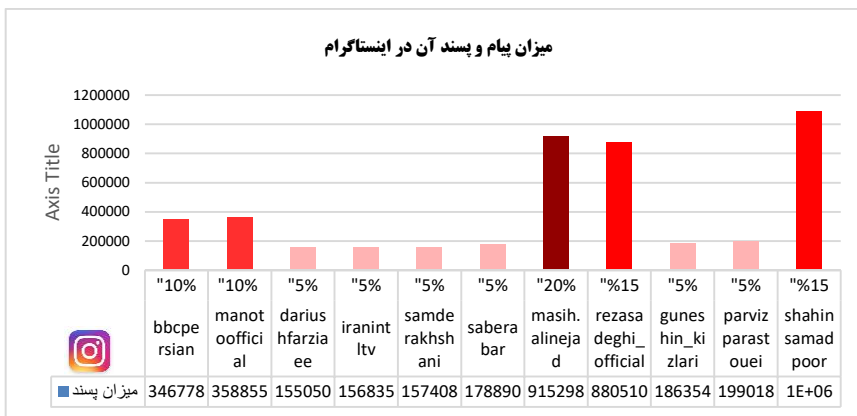
نمودار ۴: میزان پیام و مشاهده پیام در تلگرام

طبق نمودار بالا در تلگرام، «بی‌بی‌سی فارسی» بیشترین سهم پیام را در بین پیام‌های منتخب دارد که حجم قابل توجهی از مشاهده پیام را نیز کسب کرده است. پس از آن «مملکت» بیشترین تولید پیام برتر در مسئله را داشته است. برخی کانال‌ها همچون «Nahavand-۲۸» نه از نظر تعداد پیام، بلکه از نظر میزان مشاهده شدن، سهم چشمگیری در سکوی انتشار پیام را از آن خود کرده‌اند.



نمودار ۵: میزان پیام و پسند پیام در تویتر

پیام‌های منتخب در تویتر، هر یک از صفحه جداگانه‌ای منتشر شده و هیچ صفحه‌ای نتوانسته بیش از یک پیام برتر در مسئله تولید کند. پیام‌های مذکور از نظر میزان پسند با هم متفاوت‌اند. پیام‌های سه صفحه «PahlaviReza»، «s_bahraminejad» و «BBCFarnaz» نتوانسته‌اند بیشترین پسند را از مخاطب دریافت کنند.



نمودار ۶: میزان پیام و پسند پیام در اینستاگرام

در اینستاگرام بیشترین سهم تولید پیام برتر از آن صفحه مسیح علی نژاد است که از نظر پسند نیز آمار بالایی را در اختیار دارد. صفحه "shahinsamadpoor" از نظر تعداد پیام برتر در رتبه بعد قرار می‌گیرد، اما از نظر دریافت پسند توسط مخاطب، در جایگاهی بالاتر از صفحه مسیح علی نژاد است.

۶-۴. مخاطب هدف

یکی از محورهای مهم در الگوی آرایش رسانه‌ای، توجه به مخاطب و تولید پیام متناسب با اقتضانات مخاطب است. تولید پیام در شبکه‌های اجتماعی، ناظر بر انواع مخاطب (سفید، خاکستری مایل به سفید، خاکستری، خاکستری مایل به سیاه، سیاه) صورت می‌گیرد. البته این طیف‌بندی مخاطب، مطلق نیست و مخاطبان در قبال موضوعات گوناگون، در طیف‌های مختلف قرار می‌گیرند. در این بخش سعی می‌شود مخاطب هدف جریان فمینیستی در شبکه‌های اجتماعی واکاوی شود. بر مبنای دکترین و راهبردهای اصلی جریان فمینیستی، می‌توان با یک شاخص اصلی و یک شاخص فرعی، مخاطب هدف این جریان را طبقه‌بندی کرد. شاخص اصلی با توجه به دکترین جریان فمینیستی، یعنی سیاسی کردن فضای جنسیتی در نظام ایران و ایجاد اعتراض مدنی بین زنان، «میزان تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران» است. شاخص فرعی، «میزان تعهد مخاطب به هویت جنسیتی زن بر مبنای فرهنگ اسلامی- ایرانی» است. بر این اساس:

- مخاطب سفید: مخاطبی است که هویت جنسیتی ایرانی اسلامی دارد و به نظام متعهد است.
- مخاطب خاکستری مایل به سفید: مخاطبی است که به نظام متعهد است و در قبال هویت جنسیتی ایرانی- اسلامی، ممتنع است.
- مخاطب خاکستری: مخاطبی است که در قبال هر دو شاخص نظام و هویت جنسیتی زن ایرانی- اسلامی، ممتنع است.

- مخاطب خاکستری مایل به سیاه: مخاطبی است که در قبال هویت جنسیتی ایرانی - اسلامی ممتنع است و در برابر نظام، موضع مخالف دارد.

- مخاطب سیاه: مخاطبی است که در برابر هویت جنسیتی ایرانی - اسلامی و نیز نظام، موضع مخالف دارد.

بررسی پیام‌های منتخب نشان از آن دارد که در مسئله «قتل رومینا»، غالب تلاش جریان فمینیستی در تلگرام و اینستاگرام، تأثیرگذاری بر قشر خاکستری (مایل به سفید، خنثی، مایل به سیاه) است؛ اما در توئیتر، پیام‌ها ضدیت صریح‌تر و گسترده‌تری با نظام جمهوری و فرهنگ اسلامی دارند. در این شبکه، غالب مخاطبان خاکستری، خاکستری مایل به سیاه و سیاه هستند. پیام‌های این بخش، صراحت بیشتری در مقصر دانستن نظام در قتل امثال رومینا دارند و بدون لکتت به تخریب نظام جمهوری اسلامی می‌پردازند.

در آخر می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به گونه‌بندی مخاطبان جریان فمینیستی، این جریان دست روی قشر خاکستری گذاشته و غالباً برای این قشر تولید پیام می‌کند. همان‌طور که بیان شد، منظور از قشر خاکستری، افراد متوسط جامعه نیستند؛ ممکن است فردی در حوزه‌های دیگر نخبه باشد یا در هر طیفی از سفید تا خاکستری قرار بگیرد، اما در دو شاخص اصلی که ذکر شد، در طبقه خاکستری باشد. طیف خاکستری، دچار یک بی‌بصیرتی و فقدان فهم عمیق درباره موضوع است و از آنجاکه مبنای فکری صحیحی درباره موضوع ندارد، راحت‌تر می‌توان در این قشر نفوذ کرد.

۵. نتیجه‌گیری

جریان فمینیستی در شبکه‌های اجتماعی ایران با هجمه چندجانبه به زنان ایرانی سعی دارد در ذهن آنها انگاره‌ای از محدودیت و فشار بسازد. در این انگاره، هر تصویری که محدودیت زنان را بازنمایی کند، جا می‌گیرد. این نوع عملیات رسانه‌ای که به‌طور مداوم و تدریجی در حجم گسترده‌ای از پیام‌ها انجام می‌شود، در عمیق‌ترین باورهای زن ایرانی این انگاره را می‌سازد که وی تحت فشار است و تمام خواسته‌ها، آرزوها و توانمندی‌هایش در ایران رو به تباهی است. انگاره محدودیت و فشار در عمیق‌ترین لایه‌های هویتی زن ایرانی، او را به این باور می‌رساند که زندگی در ایران، مبتنی بر انواع محدودیت‌ها برای زنان است و این محدودیت‌ها از سویی به نظام جمهوری اسلامی، از سویی به دین اسلام و از سویی به فرهنگ ایرانی برمی‌گردد و زن ایرانی برای رهایی لازم است با این هر سه مقابله کند.

پس از رصد و پایش محیط و تحلیل پرنفوذترین پیام‌های سه شبکه توئیتر، تلگرام و اینستاگرام و سپس استخراج راهبردهای اصلی جریان فمینیستی، این نتیجه حاصل شد که دکترین جریان فمینیستی در هویت جنسیتی زنان، «سیاسی کردن فضای جنسیتی در نظام ایران و ایجاد اعتراض بین زنان» است و راهبردهای اصلی را بر مبنای این دکترین، تدوین و اولویت‌بندی می‌کند. جمهوری اسلامی نیز برای



مواجهه باید دکترین مطلوب را اتخاذ، و بر مبنای آن، راهبردهای مواجهه را تدوین کند. با توجه به دکترین جریان فمینیستی که سعی دارد تمام مسائل زنان ایرانی را با سیاست گره بزند و با تولید نارضایتی سیاسی، از موضوع زن و هویت جنسیتی، محصول «تقابل با نظام» را برداشت کند، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بر اساس دکترین «سیاست‌زدایی از هویت جنسیتی زنان»، راهبردهای مقابله را تدوین کند. بر این اساس، لازم است در هر مسئله جنسیتی که در شبکه‌های اجتماعی اوج می‌گیرد، راهبردهای مواجهه با توجه به سیاست‌زدایی از مسئله مزبور، اولویت‌بندی شوند. تحلیل فرهنگی از مسئله و معطوف کردن ذهن مخاطب به ابعاد اجتماعی و تربیتی مقوله هویت جنسیتی، باعث می‌شود جریان فمینیستی نتواند از زمین خالی فضای مجازی استفاده کند و دست به پروپاگاندا سیاسی بزند.

منابع

۱. الیاسی، محمدحسین، ۱۳۸۵، «عملیات روانی ضد شورش‌گری سپاه در بحران کردستان (دهه ۶۰)»، فصلنامه عملیات روانی، ش ۱۲، ص ۶۷-۲۴.
 ۲. باومن، زیگمونت، ۱۳۸۴، عشق سیال، ترجمه عرفان ثابتی، تهران، ققنوس.
 ۳. بل، دیوید، ۱۳۸۹، درآمدی بر فرهنگ‌های سایبر، ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی، تهران، جامعه‌شناسان.
 ۴. بنوا، ویلیام‌ال و پاملا جی بنوا، ۱۳۹۰، فرایند تأثیرگذاری پیام‌های اقماعی، ترجمه مینو نیکو، واژگن سرکیسیان، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما.
 ۵. جنیدی، رضا، ۱۳۸۸، تکنیک‌های عملیات روانی و شیوه‌های مقابله، مشهد، آستان قدس رضوی.
 ۶. خدامرادی، فریده، ۱۳۸۶، «تحلیل عملیات روانی شبکه‌های ماهواره‌ای در حوادث سال ۱۳۸۵ آذربایجان»، مطالعات عملیات روانی، ش ۱۸، ص ۶۶-۳۶.
 ۷. عابدی جعفری، حسن و محمدسعید تسلیمی و ابوالحسن فقیهی و محمد شیخزاده، ۱۳۹۰، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین»، اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۱۰، ص ۱۵۱-۱۹۸.
 ۸. لالر، استف، ۱۳۹۴، هویت، دیدگاه‌های جامعه‌شناختی، ترجمه مهناز فرهمند، تهران، جامعه‌شناسان.
9. Laughey, Dan (2007), *Key Themes in Media Theory*, McGraw-Hill Education.

پیوست

۱. مقوله‌بندی مضامین پیام‌های تلگرام

۲۷٪	بی‌مسئولیتی نظام در قبال زنان در معرض آسیب	تخریب نظام جمهوری اسلامی ایران	۱
	تساهل نظام در قبال خشونت علیه زنان		
	تساهل نظام در قبال قتل ناموسی		
	تقابل نظام با عشق		
	پنهانکاری نظام درباره قتل‌های ناموسی		
	جمهوری اسلامی، مولد جهل و در نتیجه قتل ناموسی		
	رابطه حجاب اجباری با قتل ناموسی		
	روحانیت، عامل دست نظام و توجیه‌گر اشتباهات نظام		
بی‌اهمیتی رئیس قوه قضاییه (آقای رئیسی) در قبال قوانین ناکارآمدی که باعث فرزندکشی می‌شود.	تخریب فقه شیعی	۲	
مجازهای فقهی برای فرزندکشی			
۱۷٪	تفاوت فقه و قرآن در مسئله مالکیت پدر بر فرزند	انتقاد از قوانین جمهوری اسلامی	۳
	لزوم تصویب لایحه امنیت زنان در برابر خشونت		
	لزوم تصویب لوایح منع خشونت		
	ارتباط فرزندکشی با قوانین جمهوری اسلامی		
	لزوم محدودیت حق طلاق مرد		



۶٪	تأکید اسلام بر قیمومیت پدر غیرت، عامل قتل ناموسی	تخریب اسلام	۴
۲۹٪	پدرسالاری در جامعه ایران فراوانی قتل ناموسی در ایران ریشه قتل ناموسی در فرهنگ سنتی مردسالار ایرانی ساختارهای متعصبانه، خرافی و جاهلانه جنسیتی ظلم پدرسالارانه خشونت در قتل‌های ناموسی در ایران	زن‌ستیز بودن فرهنگ سنتی ایران	۵
۱۳٪	تولید غم تولید غم و نگرانی تولید ترس تولید خشم	فضاسازی هیجانی	۶
۴٪	پرداختن به حواشی مربوط به قتل رومینا	فضاسازی خبری	۷

۲. مقوله‌بندی مضامین پیام‌های اینستاگرام

۲۶٪	آزادی فرزندان دگراندیش امام خمینی و مسئولان و محدودیت ملت دگراندیش همنشینی حکومت با تعصب و غیرت ایدئولوژی نظام، عامل خشونت پدران علیه دختران دیگری‌سازی بین نظام مستبد و ملت عاشق‌پیشه سهم داشتن نظام ایران و اسلام اجباری در قتل رومینا تخریب اسلام سیاسی و دخالت دین در سیاست و اجتماعی تخریب روزنامه صداوسیما به علت فتوشاپ عکس رومینا و پوشش اجباری برای عکس او نامنی خانه رومینا ریشه در دیکتاتوری مذهبی نظام کاهش قدرت نظام در اثر مبارزه با حجاب اجباری یکسان‌انگاری بین «قتل رومینا توسط پدر» و «حجاب اجباری عکس رومینا توسط روزنامه صداوسیما» نگاه فاشیستی جمهوری اسلامی به زن دیکتاتوری مذهبی در ایران (نمونه: فتوشاپ تصویر رومینا) شورای نگهبان یکی از عوامل توقف ۱۲ساله لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌مسئولیتی نظام در قبال محافظت از کودکان بدسرپرست بی‌مسئولیتی نظام در قبال حمایت از زنان در معرض آسیب توقیف فیلم سینمایی با موضوع قتل ناموسی	تخریب نظام جمهوری اسلامی ایران	۱
-----	--	-----------------------------------	---

۱۷٪	مالکیت پدر بر فرزند	رابطه قوانین	انتقاد از قوانین جمهوری اسلامی	۲
	عدم برخورد قاطع با پدرهای کودک‌کش	ایران با		
	عدم قصاص پدر در قتل فرزند	کودک‌کشی		
	لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان	لزوم تصویب		
	لزوم قوانین سختگیرانه در حمایت از زنان و کودکان	لوايح حمايتي		
	لزوم تصویب قوانین حمایتی از کودکان			
	یکسان‌انگاری نقش قانون و پدر در قتل رومینا	رابطه قانون با قتل ناموسی		
	ارتباط قوانین جمهوری اسلامی با قتل ناموسی			
	نقش قوانین در قتل ناموسی			
	قتل رومینا نه از روی عصبانیت بلکه با برنامه‌ریزی قبلی			
	تساهل قانون در برخورد با قاتلین ناموسی	رابطه قانون با کودک‌آزاری		
	تساهل قانون با پدران کودک‌کش			
تساهل قانون با پدران کودک‌آزار				
۲۲٪	رابطه پدرسالاری در ایران و کودک‌کشی	وجود فرهنگ پدرسالار در ایران	۳	
	فراوانی کودک‌آزاری و کودک‌کشی			
	فراوانی قتل‌های ناموسی در ایران			
	فضای مجازی عامل آشکار شدن قتل‌های ناموسی پنهانی در گذشته			
	ناآگاهی اجتماعی از ارتباط با نسل جدید			
	کودکان قربانی تعصبات کورکورانه			
	فراوانی اجتماعی در قبال قتل‌های ناموسی			
	فراوانی رومیناهایی که در خانه مورد ظلم هستند			
	توجیه جنایت کودک‌کشی با دلایلی مثل غیرت			
	ناموس‌پرستی، عامل قتل زنان			
ارتباط سنت‌های ایرانی با قتل ناموسی				
۱۹٪	زن مایملک کسی نیست	ترویج تفکر فمینیستی	۴	
	لزوم محبت و امنیت در خانواده برای دختران			
	تصمیم‌های غلط دختران، بخشی از زندگی است			
	تقابل ناموس‌پرستی و عشق‌ورزی			
	تقابل مردان متعصب (ناموس‌پرست) و مردان حامی			
	دعوت به همزیستی پلورالیستی (عشق‌ورزی در عین اختلاف عقیده و رفتار)			
	پذیرش اشتباهات دختران در خانواده			
	لزوم محبت به دختران در خانواده و حمایت از آنها			
	نقش مادران در تغییر باورهای غلط			
	دعوت زنان به باور داشتن قدرت و تأثیرشان			
نابودی تعصب در گرو عاشق بودن				



	آموزش و آگاهی در گرو آزادانه آزمون و خطا کردن	ترویج تفکر فمینیستی (ادامه)	۴٪
	لزوم عاشق بودن دختران اگرچه به اشتباه		
	عشق، تنها راه وصل به خدا		
۵	فضاسازی خبری	اطلاع‌رسانی درباره چگونگی و علت قتل	۴٪
۱۲٪	فضاسازی هیجانی	تولید ترس و غم	۱۲٪
		تولید غم و خشم	
		تولید خشم و تنفر	
		تولید غم	
		دعوت به ایستادگی و وحدت در برابر نظام	

۳. مقوله‌بندی مضامین پیام‌های تویت

۳۰٪	تخریب نظام جمهوری اسلامی ایران	راه‌حل: تغییر نظام	۳۰٪
		قتل رومینا بخشی از پازل ظلم نظام	
		موافقت مسئولین نظام ایران با قتل ناموسی	
		تفکر زن‌ستیز جمهوری اسلامی، عامل قتل ناموسی	
		حکومت، عامل قتل مردم	
		یکسان‌پنداری قتل رومینا با کشته‌های سیاسی ایران	
		یکسان‌پنداری قتل رومینا با کشته‌های هوایم‌ای اوکراینی	
		ارتباط قتل ناموسی با دیکتاتورمآبی نظام	
مطالبه‌گری دادخواهی			
۲۰٪	انتقاد از قوانین جمهوری اسلامی	نابرابری جنسیتی در قوانین ایران	۲۰٪
		رابطه قوانین با قتل ناموسی و تضییع حقوق زنان	
		ایفای حقوق زنان در قوانین عرفی	
		ارتباط قوانین جمهوری اسلامی با قتل ناموسی	
۵٪	تقابل حجاب اجباری و حقوق زنان	قتل ناموسی، قتلی با پشتوانه قانون، نه جنون ناشی از غیرت	۵٪
		مجازات مخالفان حجاب، بیشتر از قتل ناموسی	
۱۸٪	فرهنگ زن‌ستیز ایرانی- اسلامی	مقایسه مواضع مربوط به حجاب با قوانین مربوط به قتل ناموسی	۱۸٪
		ارتباط اسلام با قتل ناموسی	
		ارتباط قوانین سنتی ایران با خشونت خانگی، کودک‌همسری و کودک‌آزاری	
		فراگیری تفکرات منجر به قتل ناموسی در مردان ایران	
		آشفته‌گی زنانگی در نظام ایران	
		مقایسه مردان ایرانی با مردان دیگر	
		خشونت علیه زنان در ایران	
فرآوانی قتل ناموسی در ایران			
ایجاد تقابل بین مردان و زنان			



۷%	تمسخر نظام در انتقاد از پهلوی	تطهیر پهلوی	۵
	تلاش پهلوی در مقابله با فرهنگ قتل ناموسی		
	وضعیت بهتر زنان در دوران پهلوی		
۲۰%	تولید خشم و نفرت	فضاسازی هیجانی	۶
	تولید غم		
	تولید غم و خشم		
	تولید غم و یاس		
	هراس افکنی		